

حق تعیین سرنوشت  
حق مسلم خلقهاست

# پیکار کردستان



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان ۵۹/۹/۱ بها ۲۵ ریال

## جنگ ایران و عراق و جنبش مقاومت خلق کرد

جنگ ایران و عراق همچنان  
باشدت ادامه دارد و ابعاد تازه  
تری بخود گرفته است. این جنگی است  
ارتجاعی و ناعادلانه که برای  
طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و  
عراق نتیجه دیگری جز کشت و کشتار  
بی خانمانی، فقر و فلاکت و ادا مستم  
و استثمار توسط رژیم های ارتجاعی  
دو کشور بیار نیارده و نمیآورد.  
در این جنگ از یکسو رژیم  
بقیه در صفحه ۷

### مخالفت با وابستگی یا ضدیت با جنبش مقاومت خلق کرد

چند ماه پیش رهبری سازمان  
چریکها (اکثریت) در ملاقاتی که  
با بهشتی داشت، در برابر خواست  
بهشتی که گفت "بروید اعتماد را بسه  
مردم کردستان منتقل کنید، یک  
گروه با آن مقدار اعتبار و نفوذ اجتماعی  
بقیه در صفحه ۱۱

### گوشه هایی از پیکار خلق کرد



صفحه ۵

### از "قارنا" و "قهلاتان" تا "ایندرقاش" و "صوفیان"

#### قتل عام زحمتکشان کرد

توسط ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی

صفحه ۴

### رژیم ۳ پیکارگر دلاور را در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

صفحه ۱۰

## سرمقاله

رفقا!

اولین شماره پیکار کردستان  
بتاریخ ۷ خرداد و ضمیمه آن در  
تاریخ ۲۲ مرداد سال منتشر شد  
که مورد استقبال توده های  
آگاه و روشنفکران انقلابی قرار  
گرفت. اینک ما دومین شماره پیکار  
کردستان را تقدیم رفقا میکنیم.  
بدون شك بلحاظ این تاخیر  
در انتشار نشریه بکار ما انتقاد  
وارد است. ما خود را موظف  
میدانیم تا نسبت به این تاخیر  
در انتشار توضیح داده و  
سپس چند کلامی در بار ضرورت  
انتشار و وظایف این نشریه و کلاً  
درکی که از این وظایف داریم سخن  
بگوئیم.

در تابستان امسال، سازمان  
ما دومین کنگره عادی سازمانی  
خود را برگزار کرد. در این کنگره  
اساسی ترین مسایل سیاسی  
ایدئولوژیک و تشکیلاتی جنبش  
کمونیستی ایران و سازمان ما بطور  
بقیه در صفحه ۲

بیاد دو پیشمرگه شهید

رفقا

★ عطا برازنده

★ تیمور حسینی

صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

## سیر مقاله...

بطور مبسوط و منسوخ مورد بحث و مبارزه اید غولوزیک قرار گرفت. فته و راجع به هر موضوع مورد بحث قطعنامه های مربوطه صادر گردید. ۱۰ این مسایل مباحثی جد از مبارزه توفند ه توده های خلق بر علیه امپریالیسم و ارتجاع نبود، بلکه در قیاد ر انطباق با معضلات و پیچیدگیهای است که در این مرحله از رشد جنبش توده ای و مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی طبقه کارگر و خلقهای ایران جنبش انقلابی و کمونیستی ما با آنها مواجه است. مسایلی که بدون پاسخگویی مناسب با آنها نمیتوان انتظار داشت که سازمانی بتواند به اجرای وظایف انقلابی خود در قبال طبقه کارگر و انقلاب توده ها بپردازد. البته قصد ما این نیست که در اینجا نتایج و دستاوردهای موفقیت آمیز کنگره سازمان را تشریح کنیم. ما خواننده را به مطالعه پیکار شماره ۷۱ که قبلاً منتشر شده و اسناد کمجوه سازمانی که در آینده نزد یکی منتشر خواهد شد دعوت می-کنیم.

روشن است که تدارک و برگزاری کنگره خود موجب میشد که بخشی از نیروی سازمان با این کار اختصاص یابد و از سوی دیگر شواوری و سنگینی وظایف سازمان در کردستان به ویژه در شرایطی که کردستان در آتش جنگ تحمیلی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی میسوزد، بهما این اجازه را نمیداد که نیروی تشکیلاتی مناسبی را به انتشار پیکار در کردستان اختصاص دهیم. مجموعه این عوامل موجب تاخیر در انتشار پیکار در کردستان گردید. ۱۰ اینک پس از برگزاری موفقیت آمیز کنگره سازمانی و حول دستاوردهای سیاسی اید غولوزیک و تشکیلاتی آن، به اساس سازماندهی جدید، پیکار در کردستان را مجدداً انرژی و توان بیشتری منتشر میکنیم. ما قبلاً در سرمقاله پیکار در کردستان شما بک، در باره ضرورت و وظایف پیکار در کردستان، بطور کلی صحبت کرده ایم، در اینجا سعی میکنیم آن وظایف یفون ری که از آنها داریم را بطور مشخصتر و منسوختر توضیح دهیم.

جنبش مقاومت خلق کرد، در ادامه انقلاب ناتمام دمکراتیک ضد امپریالیستی خلقها در نیمه مان شکل گرفت. در جریان نزدیکه دو سال مبارزه در کردستان مخلق کرد به تجارب ارزنده ای در عرصه مبارزه ملی و طبقاتی دست یافته است. این مبارزه اشکال متنوع و پیچیده ای را از مبارزه طبقاتی و ملی سیاسی و نظامی را تجربه کرد و میکند، امریکه خود بررسی و نیز

میطلبید و ماد را راننده راجع به آنها سخن خواهیم گفت. اما جنبش مقاومت خلق کرد علاوه بر اینکه بطور اعم بعنوان یک مبارزه دمکراتیک در جهت حق تعیین سرنوشت مشخص میگردد در ارایه ویژه گیهای خاص خود نیز میباشند که مختص شرایط ویژه مبارزه طبقاتی در جامعه ماست. همین ویژه گیهاست که ضرورت پاسخگویی به آنها نیاز به انتشار پیکار در کردستان را در چند ان میکند. این ضرورتها کدامند؟ و ما آنها را چگونه می-بینیم؟

۱- مبارزه در کردستان در سطحی بالاتر از مبارزه توده ای در سایر مناطق ایران جریان دارد. در حالیکه بخش قابل توجهی از توده های این مناطق در توهم نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند و از رژیم پشتیبانی میکنند، در کردستان توده ها مسلحانه دست به مقاومت زد و بر علیه حاکمیت ارتجاع می جنگند. خلق کرد از آنجا که بطور آشکار و روزمره با پوست و گوشت خود واقعیت رژیم و سرکوب وحشیانه رژیم را حس میکند، با این لحاظ هیچگونه توهمی نسبت به رژیم حاکم ندارد. بدون شک اعتلای جنبش توده ای و از آن بالاتر وجود موقعیت انقلابی در کردستان به خود عاملیست که تاکنون کردستان را سنگر مستحکم مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران کرده است. اما همین اختلاف سطح جنبش توده ای خود باعث نوعی "جدایی" مبارزاتی میان خلق کرد و مبارزه سایر خلقها گردیده است. واقعیت اینست که هنوز بسیاری از توده های توهم زد، به جنگ رژیم با خلق کرد بصورت جنگ "شیعه و سنی" یا "اسلام و کفر" نگاه میکنند و به تأیید جنایات رژیم در کردستان میپردازند. برای اینکه بتواند به توده های توهم زد، واقعیت جنگ رژیم و خلق کرد را توضیح داد، می بایست اهداف مبارزه عادلانه خلق کرد را وسیعاً تبلیغ و ترویج نمود و سعی کرد تا همبستگی مبارزه خلق کرد و مبارزه توده های سایر مناطق را تأمین نمود. از سوی دیگر باید به خلق کرد نشان داد که اگر مبارزه اش نتواند با مبارزه سرسری توده ها پیوند حاصل نموده و تحت رهبری طبقه کارگر هدایت شود، قادر نخواهد بود راه پرفراز و نشیب مبارزه را طی کند. بنابراین کوشش در جهت تقویت و تحکیم همبستگی متقابل مبارزاتی میان جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزه توده ای سرسری اولین وظیفه پیکار در کردستان است.

## همسویی دورژیم ارتجاعی ایران و عراق

### \* در سرکوب خلق کرد \*

ارتش مزدور جمهوری اسلامی در تاریخ ۸ / ۱۲ روستای "نجه" مریان را مورد حمله قرار داد ،  
ارتش فاشیستی عراق نیز همزمان این آبادی را هدف خمپاره های خود قرار داد . در نتیجه د و نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی گردیدند .  
ارتش مزدور جمهوری اسلامی در سه روزه اول آبانماه روستاهای "کن لاجان" و "زو" و "راد پیرانشهر" را توپ و خمپاره لهرم کوبید ،  
ارتش فاشیستی عراق هم در همین زمان این آبادیها را خمپاره باران نمود .  
در نتیجه چند نفر شهید و زخمی گردیدند و مردم شهر و روستا آواره بیابان و کوهستان شدند .  
آیا این نشان نمیدهد که خلق کرد دشمن هر دو رژیم ارتجاعی میباشد ؟  
آیا هدف این دورژیم ارتجاعی چیزی جز سرکوب و حتمتگشتن و بویژه خلق کرد میباشد ؟

حد نمیتواند جد از رشد سیاسی عمومی توده های خلق کرد باشد بطوریکه میتوان گفت اکثریت توده های خلق کرد کوچکترین توهمی نسبت به ماهیت جنا پتکارانه و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی ندارند ، رژیم حاکم ایران بجزعه ای جاش و مزدور اربا بان و ملاکین سابق هیچ پایگاهی در کردستان ندارد . اما این واقعیت را نیز نباید فراموش کرد که ذهن سیاسی توده های باایده های د مکرانیک و سوسیالیستی طبقه کارگر با برنامه و مشی کمونیستی پرورش داده نشده است . هنوز هستند توده هاییکه ضمن اینکه با نفرت از رژیم جمهوری اسلامی سخن میگویند ، اما به نیروها حقوق ارتجاعی توهم دارند . توده های مبارزه میکنند ولی نسبت به سرنوست آتی جنبش کارگری ندارند ، آنها از رژیم متنفرند ، لیکن در برخورد با آن هنوز سه نیروی خلاق و سازنده خود باورند . این ضعف از یک طرف

بقیه در صفحه ۱۹

۲- یکی دیگر از ویژگیهای مهم جنبش مقاومت خلق کرد ، برجستگی مبارزه ملی در مقابل مبارزه طبقاتیست . در کردستان اقشار مختلف خلق از حتمتگشتن شهر و روستا گرفته تا اقشار رفره کرد ، عموماً حول شعار " خود مختاری " بسیج شده اند . اما هر کدام از این اقشار و طبقات بنا به منافع طبقاتی خود مواضع متفاوتی را از نظر میزان پیگیری در جنبش اتخاذ میکنند .

ستم ملی و طبقاتی بیش از همه برد و ثلث اقشار " پائینی " سنگینی میکند . کارگران فصلی که بمناسبت یگر برای کار میروند ، نه فقط بعلت " کرد بودن " کارهای سست با آنها واگذا رده میشود ، بلکه انواع تحقیرها و اهانتها را بخاطر لقمه نان و مزد ناچیزیه ناچار تحمل میکنند ، در حالیکه اقشار " بالایی " منافع کمتری را از جنبش خواهند برد و بنا به این دلیل از پیگیری کمتری در امر مبارزه برخوردارند ، و تا یل به سازش و صلحی که بتوانند منافعتان را تامین کنند و آنها بیشتر است . این نتیجه سیاسی مهمیست که با اوج گیری مبارزه و پیچیدگی آن ، هر طبقه و قشری جوهر انقلابی و یاسازشگانه خود را نشان خواهد داد . این موضوع مشخص میکند که شعار " خود مختاری " هم بدو معنا در میشود . در یکی که " پائینی " ها از آن میکنند و مرادشان رهایی قطعی و نهایی از رنج و ستمیست که سالیان سال متحمل میشوند . در یکی که " بالایی " ها از " خود مختاری " دارند . و آن بمعنای مشارکت در سهمیست که از استثمار توده ها نصیب بورژوازی حاکم میشود . به همین دلیل میبایست کوشید ، آن شعارهایی را تبلیغ و ترویج نمود که با اتکا بمنافع طبقه کارگر وحدت اقشار و طبقاتی را که واقعا خواهان انقلاب د مکرانیک و ضد امپریالیستی هستند ، متحد و یکنوا چه گرداند ، شعار عمومی " خود مختاری " اگر نتواند بیانگر منافع توده های زحمتکش کرد باشد عملاً زخمت بورژوازی قرار میگیرد . پس تبلیغ و ترویج شعارهای مشخص طبقاتی که بتواند منافع زحمتگشتان کردستان را در اتحاد با طبقه کارگر تامین نماید ، وظیفه دم پیکار کردستان است .

۳- مبارزه جاری در کردستان در حال پتیرین سطح یعنی مبارزه مسلحانه است . بند و ن شکرتقا مبارزه خلق تا این

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## این در قاش و صوفیان قتل عام زحمتکشان کرد

بدست ارتش، بسیج مستضعفین و پاسداران جنایتکار

سیزدهم ابانماه امسال رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بار دیگر سته جنایتی فجیع تر از فاجعه قارنا و قه لاتان زد. پاسداران ارتجاع همراه با اوباشان "بسیج مستضعفین" از مناطق ارومیه، محمد یار و نقره برای باصطلاح پاکسازی "قفار" و در واقع خلیق زحمتکش کرد، به روستاهای "یوسفکند و قملعه" در حوالی مهاباد حمله نمودند. این جنایت پیشگانه پس از به شهادت رساندن پنج تن از زحمتکشان آبادی "یوسفکند" همچون لشکریان مغول دستبغا رت اموال و تالان روستا - ثیان زدند و سپس به روستای "این در قاش" رفته و بعد از تهدید و ارباب و شوکتکجه و آزار مردم آبادی، اینجا نیز دستبغا رت اموال اهالی آبادی زد و دسترنج کار طاقت فرسای زحمتکشان را بزور اسلحه به یغما بردند و روستائیان را تهدید کردند که سلاحهای خود را بایستی به پاسگاه "محمد یار" تحویل دهند. در پیرون این آبادی، این مزدوران مورد حمله پیشمرگان د مکرر قرار گرفتند و بعد از دادن تعداد و تلفات به روستای "این در قاش" عقب نشینی نمودند. اینبار پاسداران هر کس را که یافتند، به وحشیانه ترین شکلی با سرنیزه و قنداق تفنگ زخمی نمودند و بارگبار مسلسل بشهادت رساندند. آنها بیش از بیست نفر فقط در مسجد آبادی در حال نماز بقتل رساندند، ده همتان از اهالی را که موفق بفرار شدند، دستگیر و بعد از کتک - زد و شکنجه فراوان با قمه، چاقو و گبار - ۳ بخاک و خون کشیدند.

و سپس زنان و دختران آبادی را جمع نمود و ویشمرانه دستبند و دستبسته و آزار آنها میزند تا آنجا که حتی به یکی از دختران تجاوز نمودند. آری اینست معنای دفاع از "مستضعفین" که رژیم جمهوری اسلامی از آن دم میزند!

آری این نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی، بعد از قتل عام بیش از ۴۰ تن از زحمتکشان آبادی دستبچسپا و اموال زد و هر آنچه را که توانستند غارت نمودند و هر آنچه را که نتوانستند به آتش کشیدند و بار دیگر این در خیمان در رشت سرخود تلسی از خون و خاکسترو آتش باقی گذاشتند و بار دیگر معنای "حمایت از مستضعفین" و "مبارزه با امپریالیسم" رژیم را بخوبی نشان دادند.

همچنین در روز ۱۷ / ۸ با هم پاسداران ارتجاع و چاقو کشان قمه بدست "بسیج مستضعفین" با هدایت ملاحسنی این مزدور مرتجع بد نیال همین برنامه منظم، به روستای صوفیان در حومه اشونیه حمله کرده و با قتل عام زحمتکشان آبادی ۳۱ تن از اهالی پیرو جوان گرفته تازن و مردم را با بیرحمی تمام به شهادت رساندند و ۲۰ نفر را زخمی نمودند. این مزدوران به عنوان بیاد اش خود، به غارت آبادی پرداختند و پول و اموال - روستائیان را چپاول نمودند. آیا این کشتارها با قتل عام زحمتکشان فلسطین در آبادی "دیر یاسین" بدست آدم - کشان صهیونیست فرقی دارد؟

بیشتر خون سرخ زحمتکشان روستاهای "این در قاش"، یوسفکند و "و" نهال انقلاب خلقهای ایران را آبیاری کرده و نور نیست که دستانتقا مجوی خلق، سرکوبگران خلقهای ایران را به زباله دانی تاریخ بسپارد.

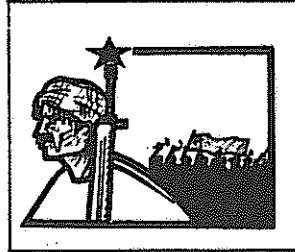
### نوعه "پاکسازی" خلق کرد از زبان یک "پاسدار"

میکردند و سه ساعت درگیر شدیم و پس از گذشتن ۲۵ - ۱۹ نفر از آنها بقیه را فراری دادیم. خود این پاسدار سرما به با افتخار به گشتن چندین زحمتکش کرد اقرار میکند آری! خلق قهرمان کرد در راه دفاع از حقوق خویش به بیگانه خونین با ارتجاع ادامه میدهند و هرگز سلاح از کف نخواهد داد پیروزی او در گرو مبارزه انقلابی اوست.



یکی از پاسداران میان دو آب در جمعی از "خلع سلاح" روستائیان کرد تعریف میکند او میگفت که "کردها بهیچ وجه حاضر نیستند اسلحه ها بشان را تحویل دهند و ما پس از درگیری فراوان و بزور شکنجه موفق می - شویم زده ها خانه یک قبضه سلاح بدست بیاوریم. حتی اغلب کار به تیراندازی هم میکند و گرزور ما بجز بدحتما درگیر می - شویم مثلا در یکی از دهات که مردم مقاومت

بنقل از "خبرنامه جنگ" پیکار شماره ۵



## گوشه‌هایی از پیکار خلق کرد

### ● کامیاران

۵۹ / ۷ / ۲۱: نیروهای ارتش ضد خلقی که بهمراه جا - شها و یاسد اران ارتجاع چند روزی بود در روستای "دولاب" (مقر سابق شیخ‌ها دی‌مزد و روسا و کی سابق) مستقر شده - بودند بطرف آبادی "سرچی" پیشروی نمودند اما پیشمرگان قهرمان کومه له و پیکار در یک عملیات مشترک آنها را وادار به عقب نشینی نمودند. مزدوران ضد خلقی جمهوری اسلامی با پرتاب خمپاره (بو یژه خمپاره های "وتمپلا" که در رهسوا منفجر شده و هزاران قطعه میگردند) سعی داشتند مردم آباد بیای "کوله ساره" سرچی بکشد و هانین "راکتارنا - بند که بارد پکریا ضربات کوبنده پیشمرگان رو برود و منجبور بعقب نشینی کامل از منطقه گردیدند. در این عملیات هیچ گونه آسیبی به پیشمرگان وارد نگردید.

کمکهای وسیع روستائیان این منطقه به پیشمرگان نشانسی از روحیه چشمگیری رزائی این زحمتکشان بود.



مصادره بزنج بدست پیشمرگان  
و تبلیغات ضد انقلابی  
حزب خائن تسوده و جمهوری اسلامی

۵۹ / ۷ / ۸: در این تاریخ پیشمرگان پیکار در جاده کا - میاران - سنندج موفق به مصادره انقلابی یکتریلرحامل پیش از ۲۰ تن بزنج گردیدند. این محموله برای اداره بازرگانی سنندج واز آنجا برای بخش بین جاشها و یاسد ارها حمل میگردد. پیشمرگان با کمک وسیع زحمتکشان بزنجهسارا به روستاهای اطراف پیره و در آنجا با همکاری رفقای کومه له آنرا بین زحمتکشان چند آبادی به نسبت هر خانوادگی سه کیسه تقسیم نمودند. این عمل پیشمرگان با استقبال وسیع روستائیان رو برود. چه اینکه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلا

با محاصره اقتصادی کردستان ماههاست که مانع ورود ما - یحتاج مردم بویژه روستائیان میگردد.

اما حزب بخائن توده که حاضر به همه گونه نوکری رژیم می - باشد در روزنامه "مردم" با برنامه ترسناک با مضامین پشیمرگان پیکار رسیده بود. چا بیوا یطورا نمود کرده بود که گویا بزنجهسارا بسبب مناطق جنگزده مرزی حمل می - شده است (آخر از نظرایین خائنین، سنندجگوزا بزان و عراق و خلق کرد کافر و وابسته به بعث عراق می باشد). جالب است که حزب معلم الحال جمهوری اسلامی هم عین این خبر حزب توده را بر روزنامه خود چاپ کرده است و بدین وسیله بار دیگر نوکری و حلقه بگونی حزب خائن توده را با اثبات رسانید.

اما از نظرم کمونیستها مصادره اموال دولت که از کمیدن خون زحمتکشان و جباول شمره کار آنها بدست آمده است، امری است انقلابی و ما اینگونه مصادره را یکی از وظایف مبارزاتی خود میدانیم.

### ● مریوان

۵۹ / ۷ / ۲۶: در این روز مزدوران زرگاری در روستای گور - رگه ای مریوان دست به جنایت فجیعی زد و یکی از پیشمرگان حزبید مکراتبنام کاک رشید نوروزی (ره شه لاج) را به شهادت رساندند. یاد شگرامی باد.

تشکیلات مریوان حزبید مکراتبمربیان اعلامیه ای صادر نموده و سپاه زرگاری را مزدور بعثت و وابسته به دینارهای عراقی خوانده و در حرف شعارنا بودی زرگاری را مطرح کرده - است. اما مگر همین چند پیش نبود که حزبید مکراد رسک عملیات مشترک با مزدوران زرگاری به یکه ستون ارتش ضد خلقی در حوالی کامیاران (شیرین سوار) حمله نمودند؟ البته اکثریت پیشمرگان حزبید مکراد که از زحمتکشان کردستان هستند، از این روابط ناراضی اند. حزبید مکراد موظف است در این باره به توده های خلق کرد و پیشمرگان خود توضیح دهد.

### سقز

۵۹ / ۷ / ۲۷: در این تاریخ شب هنگام بود که از پیشمرگان پیکار (دسته شهید نجمه و شهید عماد) در شراب -

# پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد

اهالی بعد از تخلیه آبادی مقاومت ایستاده و بعد از چند ساعت درگیری، پاسداران ارتجاع را وارد عقب نشینی نمودند. مقاومت مسلحانه زحمتکشان این آبادی را دیگر نشان داد که هیچ نیروی ضد خلقی یا رای مقابل به بازحمتکشان متحد و آگاه رانندارد.

در این درگیری ۵ نفر از پاسداران ضد خلق کشته شدند. از روستائیان نیز یک نفر به شهادت رسید. یاد این شهید خلق گرامی باد!



### ● دیواندره

● ۵ / ۸ / ۵۹: بمناسبت چهلمین روز شهادت کاک شوان عضو مسئول کومه له در دسته از پیشمرگان کومه له به پایگاه "ماموخ" (جاده دیواندره - سنندج) حمله بردند و سلاحهای سنگین ضربات شدیدی بر آن وارد کردند. تلفات وارده بر دشمن در قیام مشخص نیست. پیشمرگان بعد از این حمله قهرمانانه، همگی سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

### ● مریوان\*

● ۴ / ۸ / ۵۹: در این تاریخ پیشمرگان کومه له در روستای بیساران چند تن از مزدوران رزگاری را خلع سلاح نمودند. این عمل رفقای کومه له بار دیگر نشان داد که خلق کرد و سازمانهای انقلابی جنبش مقاومت نفس افشای ماهیت مزدورسپاه رزگاری در هیچ شرایطی به مزدوران بعث اجازه فعالیت نخواهند داد.

بطیکه رژیم به نیروهای مزدور و رشآماده باشد، بود، وارد شهر شدند و مورد استقبال مردم قرار گرفتند. پیشمرگان ابتدا به پیش اعلام میگردانیدند و نوشتند. شعار بر روی دیوارها پدید آمدند و سپس در پی از خیابانهای شهر برای بدام انداختن دشمن کمین گذاشته و در حوالی ساعت ۲ شب با نارنجکها از سلاحهای سبک بمقراها شها و پاسداران (مکتب اسلام) حمله کرده و ضربات سنگینی بر آن وارد نمودند. از تلفات وارد به نیروها در دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.

رژیم در این درگیری از خمپاره انداز مسلسل کالیبر ۵۰ میلیمتری و از سلاحهای سبک و سنگین استفاده کرد. در جریان این حمله یکی از پیشمرگان قهرمان سازمان، رفیق تیمور حسینی مسئول دسته شهید نجمه در حین عقب نشینی بوسیله گلوله مزدوران رژیم به شهادت رسید.

یادش گرامی و راهش پایدار باد!



● ۱۳ / ۸ / ۵۹: در این روز عمال رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سعی نمودند بمناسبت ۳۱ آبان (روز دانش آموز) تظاهراتی بنفع خود برگزار نمایند. انسان با تهدید و ارضابعد از ایاز دانش آموزان را به خیابانها کشاندند اما دانش آموزان رزمند که بارها و بارها شورا انقلابی خود را در جریان جنبش مقاومت نشان دادند. این بار نیز با تبدیل تظاهرات را بر علیه رژیم ضد خلقی مشت محکمی بر دهان سرکویگران خلق کوبیدند. دانش آموزان با دادن شعارهای انقلابی بنفع جنبش مقاومت خلق کرد مورد استقبال وسیع توده اقرا گرفتند. مزدوران رژیم چاره را در دستگیری عده ای از تظاهرات هرکندگان دیدند. اما نه زندان و نه شکنجه و اعدام، دانش آموزان انقلابی را از مبارزه باز نداشتند. و آنان همچون گذشته تظاهرات مستقل خود را بر علیه رژیم ضد خلقی سازمان دادند و بار دیگر نقش برجسته خود را در جنبش مقاومت ثابت خواهند نمود.

\* - منبع اخبار زیر خبرنامه های کومه له میباشد \*

### ● ارومیه

● ۳ / ۸ / ۵۹: پاسداران و ایادی ملاحسنی مرتجع در این روز به روستای "کانی سپی" و "زند شت" در جاده سلماس - ارومیه حمله نمودند و قصد قتل و قمارت روستائیان را داشتند که

## جنگ ایران و عراق ...

فاشیستی بعث عراق قرارداد کوه برای حفظ سلطه ارتجاعی خویش ادامه غارت و استعمار و خلع و عاقبت را نطبق با سیاست امپریالیسم امریکا و حمایت از اردو دسته های مزدور اوپسی، ماسر فوئالیزبان دست به این جنگ زده است. رژیم مرتجع بعث که سالهاست خلقهای عراق و از جمله خلق کرد عراقی را بوحشیانه ترین شکلی سرکوب کرده و میزند و "سیاست زمین سوخته اش" در کردستان عراق ماهیت جنایتکارانه آنرا بخوبی روشن میکند، درین فریب توده های این کشور منحرف کردن دست مبارزه آنها، و همچنین باز پس گرفتن امتیازاتی که در معاهده الجزایر از دست داده بود و بالاخره برآ مقابله با تحریکات رژیم جمهوری اسلامی در پشتیبانی این رژیم از جریاناتی چون "حزب الدعوه" بهترین راه را دست زد. نیا بین جنگ یافته است. اکنون جنایات ارتش عراق در مناطق خوزستان و کرمانشا و کشتار مردم بیدفاع این مناطق توسط آن یکباردیگر کرده از ماهیت رژیم ضد خلقی صدام حسین و اردو دسته اش بر میدارد.

طرف دیگر در این جنگ رژیم جمهوری اسلامی است که طی نزدیک بدو سال حاکمیت خویش کاری جز بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و انا ماه استعمار و ستم نسبت به زحمتکشان و خلقهای ایران نکرده است. سیاست این رژیم سیاست ادامه ستم بر خلقها، سرکوبی از تحریکات آنها، نابودی دستاوردهای قیام ۲۲ بهمن و خلاصه حفظ و تحکیم منافع سرمایه داران و مرتجعین رنگارنگ بوده است. سیاستی که ناتوان از حل بحران اقتصادی سیاسی حاکم بر جامعه برای منحرف کردن ذهن توده ها، آنها را با ایده ارتجاعی "صدور انقلاب اسلامی" می فریبد و پشتوانه ای برای جریانات مرتجع در کشورها و منطقه شده است. جنگ از جانب رژیم جمهوری اسلامی نه برای دفاع از "انقلاب" در ایران برپا شده و نه برای رهایی زحمتکشان عراق، جنگ از جانب این رژیم ادامه سیاست اش در اعمال ستم بر خلقها و سرکوب مبارزات آنها، اهداف جاه طلبانه آن در به اصطلاح "صدور انقلاب اسلامی" و کوششهای آن

برای ممانعت از ریختن توهم توده ها انجام گرفته است. ماهیت ارتجاعی این سیاست همچنین در بمباران خانه و کاشانه زحمتکشان عراق توسط ارتش ضد خلقی بخوبی مشهود است و برده از عوام فریبی های رژیم مبنی بر پیشبرد "جنگ دفاعی" بر میدارد.

اما جنگ فوق در نقاط مختلف کشور تاثرات متفاوت داشته است و توده ها برخوردار یکسانی با آن نداشته اند. در حالیکه در بسیاری از مناطق توده ها در نتیجه نا آگاهی از ماهیت جنگ و توهم نسبت به هیئت حاکمه و همچنین تبلیغات "سوسیالیستها" (حزب توده خائن سازمان چریکها) اکثریت و حزب رنجبران) و "دفاع طلبان" (نیروهای مانند راه کارگروزمندگان که شرکت در جنگها "صفا مستقل" را طرح می کنند) فریب تبلیغات ریاکارانه حکومت را خورده و در جنگ شرکت جسته و یا انرا تا ثید مینمایند، در کردستان وضع کاملاً برعکس است. در کردستان چه در شهرها و تیکه در کنترل پیشمرگان قرار دارد (مانند بوکان و اشنویه) وجه در شهرها و تیکه در تصرف ارتش پاسداران میباشند به جرات می توان گفت که کوچکترین حرکتی که نشانه توهم مردم به هیئت حاکمه و تاثر تبلیغات آن باشد به چشم نمیخورد. دلیل این امر بسیار روشن است. خلق کرد بیش از یکسال است که مورد شدیدی ترین سرکوبها و ستمگریهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته است و صحنه های کشتار و ویرانی ای که جنگ امروز در شهرهای جنوبی کشورمان بوجود آورده است، را خود تجربه کرده است. برای خلق کرد مسلم است که رژیم جمهوری اسلامی، ارتش ضد خلقی و سپاه پاسداران ارتجاعی آن نمیتواند بخاطر دفاع از زحمتکشان میهن ما با رژیم عراق بجنگد. برای آنها مسلم است که "دفاع از میهن" در جنگ کنونی هیچ مفهومی ندارد. یگری جز دفاع از میهن ستمگران و استعمارگران و ادامه سرکوب ستم دیدگان ندارد. پاسخ شایسته مردم مبارز ما با بدست تظاهرات تیکه سپاه پاسداران، هواداران حزب توده خائن و هواداران سازمان چریکها (اکثریت) و هواداران کنگره چهارم حزب دمکرات برای پشتیبانی از جمهوری اسلامی در

(\* برای شناخت جریانات "سوسیالیست" و "دفاع طلب" و ماهیت آنها به ضمیمه دوم پیاره ۷ مراجعه کنید.)

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

# رئیس جمهور دستور بمباران شهرهای عراق را صادر کرد

این جنگ، قصد برگزاری آنرا داشتند، نمونه جالبی برای توضیح موضع خلق کرد و نیروهای مبارزان در قبال جنگ ارتجاعی ایران و عراق میباشد. \* این نمونه در کنار نمونههای دیگر مبارزات توده‌های ستمدیده خلق کرد و به همراه مبارزات مسلحانه پیش مرگانی قهرمان بیانگر ادامه جنبش مقاومت خلق کرد بمثابه تنها حرکت انقلابی در کردستان بطور مشخص در این شرایط است. حرکتیکه در چهار چوبتیدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی در شرایطیکه توده‌ها آمادگی آنرا ندارند، قرار میگیرد. واقعیت اینستکه خلق کرد بر اساس تجربه روزمره خود دریافته است که هر حرکت رژیم تحت هر پوشش و عنوان هدفی جز تحمیل و سرکوب توده‌ها و حفظ روابط ستنگران موجود دنبال نمیکند. بیش از یکسال گلوله باران شهرها و روستا

رئیس جمهور میگوید: "ما محبوسیم از مردم شهرهایی که رژیم بعث عراق آنها را بعنوان بایکاه استفاده میکنند بخوابیم که شهرها را ترک کنند تا ما جواب آنها را بدیم." (کسان ۱۹ مهر).

بنی صدر میگوید: "ما شهرهای تخلیه شده را بمباران خواهیم کرد!"

ما میگوییم: آقای رئیس جمهور! مردم عراق اگر شهرهای خویش را تخلیه کنند چه؟ کجا بروند؟! کجا آنها تخلیه نکردند چه؟ بنی صدر میگوید مردم باید شهرها را تخلیه کنند تا ما بمباران کنیم اما واقعیت چیست؟ بمبارانها بی کفایتی انجام شده نشان میدهد که جان و مال زحمتکشان برای بنی صدر نیز مانند صدام خائن

ارزشی ندارد. علاوه آقای رئیس جمهور! فرض کنیم مردم از شهرها خارج شوند، مگر مردم زحمتکش خانه و کاشانه خود را هم میتوانند از شهر خارج کنند؟ نه! پس شما میخواهید خانه‌های زحمتکشان را بمباران کنید. آری آقای رئیس جمهور شما مانند صدام حسین میخواهید با بمباران مناطق مسکونی زندگی و خانه و کاشانه زحمتکشان را تباہ کنید.

بمباران مناطق مسکونی زحمتکشان عراق را توسط رژیم ایران و بمباران مناطق مسکونی زحمتکشان ایران توسط رژیم فاشیستی بعث عراق را محکوم می کنیم  
۱۳۵۹/۷/۲۰ سری ب - ت ش ۸۹  
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

روستاها، کشتار و سرکوب توسط ارتش سپاه پاسداران جهشی اسلامی، بیش از یکسال توهین و ناسزا، محاصره اقتصادی ... این حقیقت را به خلق کرد آموخته است که رژیم جمهوری اسلامی رژیمی ضد خلقی است و نمیتواند در جنگی به نفع توده‌های مردم شرکت نماید. خلق کرد میدانند هم اکنون که رژیم ضد مردمی عراق قسمتی از خاک ایران را تصرف کرده است، بخش مهمی از نیروهای ارتش و پاسداران برای ادامه سرکوب در کردستان مستقرند و یکدم از قتل و جنایت بازنمی ایستند و همچنان فجایع قارنا، قه لاتان را در "این در قاش"، "بوسفکند" و ... تکرار می کنند. نمایندگان بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم فریاد می زنند "میهن در خطر است" و توده‌های ناگاہ را بی سلاح و بدون آموزش لازم بعنوان گوشت دم توپ به جیبه میفرستند

(\* در تاریخ سپاه پاسداران با پشتیبانی هواداران حزب خائن توده، سازمان چریکها اکثریت و "کنگره چهارم" قصد برگزاری تظاهراتی در مهاباد را داشتند. هنوز چند لحظه ای از شروع تظاهرات ۳۰۰ نفره آنها نگذشته بود که مردم مهاباد خشمگین از این همه وقاحت جلادان و کاسه لیسان رژیم، با سنگ و چوب بان حمله کردند و توطئه ارتجاع را درهم کوبیدند.

ولی از فرستادن لشکرهایی که در کردستان مستقرند، خود داری مینمایند. ولی مگر آنها از چه چیزی میترسند؟ بدون شک از به حرکت در آمدن طوفان انقلابی توده‌ها و برقراری حاکمیت آنها بر سر نوشت خویش، آنها میدانند که میتوان با رژیم عراق به سازش رسید و به جنگ بین دو رژیم خاتمه داد، ولی نمیتوان توده‌ها را به این که توهمشان ریخته است و در راه کسب حقوق خویش به مبارزه انقلابی روی آورده اند را به انقیاد درآورد.

\* \* \*

به این ترتیب ما در کردستان، نه تنها با یکتوده توهم زد و روبرو نیستیم، بلکه با مردمی مواجهیم که در حال مبارزه انقلابی بشکل مسلحانه آن با رژیم حاکم هستند و با جوی سرور و کار داریم که بسرعت در مقابل سازشکاری و مماشات با رژیم بعث عمل نشان میدهند. \* پس ادامه مبارزه و مقابله و مستلحانه انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی، در چارچوب شعار تیدیل جنگ بین دو رژیم به جنگ علیه بورژوازی خودی

(\* - توجه کنیم به عکس العمل مردم نسبت به سازمان چریکها (اکثریت) طی مدت اخیر.



تنها حرکت اصولی و انقلابی در کردستان است.

از نظر سیاسی مهمترین وظیفه نیروهای کمونیست و انقلابی افشای ماهیت جنگ ایران و عراق و اهداف ضد خلقی این جنگ است که هر دو رژیم تعقیب میکنند. بایستی بر این مینا و هم چنین بر مینای افشای ستمی که به اشکال گوناگون بر توده ها وارد می شود آنها را بسوی راه انداختن حرکات اعتراضی توده های سوق داد اکنون در شهرها تحت کنترل رژیم روجه مبارزاتی و انقلابی به مراتب بالاتر از چند ماه گذشته است و توده ها هر روز آمادگی بیشتری برای پیش برد مبارزه از خود نشان میدهند آنچه مهم است نقطه ضعف بشمار می رود، نقش نیروهای انقلابی است که هنوز نتوانسته اند نقش لازم را در دامن زدن و هدایت حرکات اعتراضی توده ها داشته باشند.

در سطح روستاها افشای ماهیت جنگ ایران و عراق و بطور کلی ماهیت هر دو رژیم بعنوان دو رژیم ضد خلقی اهمیت خاصی دارد. اگر در شهرها توده ها بعلت بالا بودن آگاهی سیاسی بدارک نسبی وحدت اقلی از واقعیت های جنگ دست میابند در روستاها غالباً چنین نیست و ضرورت توضیح این واقعیات اهمیتی دوچندان می یابد. توده های دهقانی با توجه به ادامه ستم و سرکوب در زمستان جمهوری اسلامی و حتی گستردگی آن در این زمان تنفر خود را از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی از زاویه منافع طبقاتی تاریخی خود، بیان نمیکنند حتی اقشار عقب مانده تر بخصوص در مناطقی که نیروهای انقلابی حضور کمتری دارند، نسبت به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بوسیله رژیم عراق

## به جبهه جنگ شتافتن خامنه‌ای !!

روز پنجشنبه ۱۷ مهر ماه خامنه‌ای که مرتب از طریق رادیو تلویزیون، مردم را "بسوی بهشت" و "نوشیدن شربت شهادت" دعوت میکند، برای برگشتن از هوازی که هواپیماهای اختصاصی ۸ نفره را که مخصوص خاندان سلطنتی بود با تلفن احضار میکند، یک پزشک حاضر در فرودگاه از او میخواهد تا مریض مشرف به مرگی را با خود به تهران ببرد. خامنه‌ای ابتدا قبول میکند ولی پس از آنکه خلبان میگوید که هواپیما ظرفیت ۹ نفر را ندارد، خامنه‌ای میگوید، چون با بدپا سدارانی را همراه خودش ببرد، نمیتواند مریض در حال مرگ را به تهران ببرد.

## ارتش فاشیست عراق

### مردم عادی را به گروگان می‌گیرند

در ادامه جنگ ارتجاعی دولتهای سرکوبگر ایران و عراق، رژیم فاشیستی بعث اقدام به دستگیری بسیاری از هموطنان بیگناه ما کرده است. در این خصوص نکات زیر قابل ذکر است:

۱- ارتش مزدور عراق در هر شهر و جاده و روستایی که مختصر تسلطی پیدا میکند، اقدام به دستگیری مردم عادی که در جنگ شرکتی نداشته اند میکند. در ضمن ملاحبه با اسرای ایرانی در اردو عراق، بسته نامه‌های گمانی چون "کارمند یا نسک سونکر" "معلم تهر شیرین" "محل سربل" "ذهاب" "کارگران حفاری صنعت نفت" و غیره بر میخوریم که خانواده‌های بسیاری را در نگرانی به مرنوبت گمان خود فرو برده اند.

۲- تقریباً تمام اسرای دستگیر شده (چه ارتشیان سرباز و چه افراد عادی) در محاصراتی که بوسیله عمال دولت ضد خلقی عراق، با آنها میشود، خواهان این جنگ نبودند و علیرغم فشارهای رژیم عراق، خواست خود را برای قطع این جنگ عنوان میکنند.

تمایل نشان میدهند. این شکل برخوردیه رژیم جمهوری اسلامی نه مولود آگاهی طبقاتی توده‌ها بلکه از کینه عمیق آنها از این رژیم سرچشمه میگیرد. اما برای آنها باید توضیح داد که آنچه منافع واقعی شان را تأمین میکند نابودی سرمایه داری وابسته و برقراری جمهوری دیموکراتیک خلق است. امری که تنها توسط خلقهای ایران بسمه رهبری طبقه کارگر ایران امکان پذیر است.

در واقع ما ضمن پیشبرد مبارزه و بسیج و سازماندهی توده‌ها علیه دشمن اصلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی بایستی ماهیت هر دو رژیم ارتجاعی را برای آنها افشا کنیم. در این میان افشای ماهیت ارتجاعی رژیم بعث عراق که میکوشد از میان رزم خلق کرد با رژیم جمهوری اسلامی سوءاستفاده کرده و خود را "حامی" آن قلمداد کند، اهمیت خاصی دارد.

در زمینه نظامی، وظیفه پیشمرگان انقلابی است که تشدید حملات نظامی به پایگاهها و مناطق تحت کنترل رژیم آنها را وادار به عقب نشینی نماید. البته این مشخص است که وقتی از گسترش حملات نظامی صحبت میشود هیچ وجه نمی‌توان انتظار داشت که در کوتاه مدت رژیم را از نظر نظامی بتوان به موضع شکست کشاند.

امادر قبال تجاوز نظامی عراق به کردستان سیاست نیروهای انقلابی بی چه باید باشد؟ روشن است که در چنین صورتی مینابست قاطعانه به مقابله با آن پرداخت. البته عوامل متعددی وجود دارد که مانع میشوند رژیم عراق جنگ را در طول مرز ایران و عراق در

رژیم‌هایی که خلق‌های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

# رژیم پیکارگردد لاورا در خوزستان جنگ زده تیرباران کرد

در شرایطی که رژیم با آزادی گروگانهای جاسوس، نزدیکی بیش از پیش خود را با امپریالیسم نشان میدهد، در شرایطی که رژیم بدروغ با عنوان مبارزه با امپریالیسم، توده های منطقیه جنگ زده را در نبردنا عادلانه با دولست ارتجاعی عراق به کشتن میدهد، رژیم خفقان و سرکوب را تشدید کرده است و بدین ترتیب به ترور و تیرباران کمونیستها و انقلابیون پرداخته است.

رفیق پیکا رگرشهیدشکرا لله دانشیار مسئول چادر امدها در آذربایجان سازمان پیکار در آذربایجان بجرم عشق به زحمتکشان و کمک به مردم جنگ زده و هواداری سازمان در ۲۷ مهر تیرباران میشود و پس از آن خلغالی جلا، دو پیکارگردد لاوردیگرا در آغا جاری بدون بازجویی در یک دادگاه صحرایی بدون آنکه اجازه دفاع به رفیقایمان را بدهد تیرباران میکند. این دور رفیق رفیق محمد شرافعی کارگر کمونیست صنعت نفت و رفیق منوچهر نیک اندام، معلم کمونیست، که در زمان شاه نیز دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته بودند، بجرم پخش اعلامیه سازمان تیرباران میگردد. رژیم هیچ مدرکی از نقای ما در مورد پخش اعلامیه نیز ندانست، فقط عنوان میگردد که روز قبل در شهر اعلامیه پیکار پخش شده است جان حسینی شهبازی کاندیدای مورد

حمایت سازمان در آغا جاری که یک نفتگر انقلابی است به همراه عده ای دیگر - راز هواداران سازمان در خطر است. رژیم پیچیده می اندیشد که با ترور و تیرباران انقلابیون و کمونیستها میتواند مانع آگاهی توده ها شود. رژیم نمیتواند دست خون آلودش را در سرکوب زحمتکشان و کشتار انقلابیون و کمونیستها بشوید. ما چهره کبریها بین رژیم جنا پیکار را به توده ها نشان خواهیم داد و با ما راه رفیقان شهیدمان تا آخرین نفس با امپریالیسم و ارتجاع خواهیم رزمید. بقول رفیق شهید منوچهر نیک اندام در ملاقات با همسرش در شب تیرباران:

"دشمن به ما کینه دارد و روح نخواهد کرد، ما هم نباید بدهد و روح کنیم مبارزه طبقه ای یعنی بی رحمی نسبت به دشمن طبقه ای."

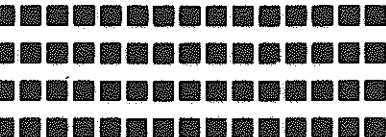
آری، رفقا ما کینه شما را که کینه میلیونها زحمتکش ایران بود در دل خود حفظ میکنیم و تا نبودی ستمگران و جنا پیکاران و پیروزی زحمتکشان به مبارزه آشتی ناپذیر خود ادامه میدهم ما به خون پاک شما شهیدان انقلاب سوگند یاد میکنیم که به آرمانتان که آرمان طبقه کارگر بود تا آخرین نفس وفادار بمانیم.

با دشان گرمی و آرمان نشان جاودان باد!

آیا راه "مرز" به کردستان ختم میشود؟!

در پی تبلیغات شوینستی ارتجاع و توهم توده ها (که روز بروز میشکند) در اواشل مهزما ۲۰ نفر از کارکنان حفاظت فرودگاه مهزآباد را طلبا و طلبا به مرز عراق بخشند. آنها را به کرمانشا می برند. فرمانده این گروه به مرزا اعزام می شود و باقی در اختیار رساها ساداران قرار میگیردند رساها ساداران آنها را بسسه کامیاران میفرستد و به آنها میگوید که "با بدبا کردها بجنگید" و طلبا که از عملکرد رژیم سخت عصبانی بودند با سخ میدهند که "ما برای جنگ با ارتش عراق آمده ایم نه با کردها". گروهی از آنها بر میگرددند و برین میمانند که در صورت امکان به مرزا اعزام شوند.

جنگ ارتجاعی با ارتش بعث عراق مانع از آن نمیشود که سرکوب خلق کردکا هسش پیدا نما بدور رژیم در پوش جنگ با عراق مرتبا نیروهای مزدور را در کردستان تقویت میکند. ارتجاع دشمن اصلی خود را بهتری شناسد برای اوا انقلاب توده ها بسیار خطرناکتر از ارتجاعی عراق است



مطلب است که تفنگهای ماد رخدمت هیچیک از این دو رژیم ارتجاعی نباید باشد. همانطوریکه در بالا گفته شد احتمالاً اینکه جبهه ای درگشوده شود ضعیف بوده، و بیشتر احتمالاً مقطعی از جانب رژیم بعث محتمل است. این حملات تویژه در شهرها و مناطق پیرانشهر، سردشت و میوان امکان پذیر خواهد بود. در چنین صورتی تاکید ما با توجه به شرایط مشخص نظامی منطقه و اینکه از نظر سیاسی نظامی، به نفع هیچیک از دو رژیم تمام نشود تعیین میگردد

گوردستان نیز گسترش دهد: اولاً کردستان اهمیت اقتصادی و سوق الجیشی خوزستان را دارا نیست و در آن مراکز اقتصادی ای که رژیم عراق بخواد آنها را مورد حمله قرار دهد وجود ندارد. ثانیاً گسترش جنگ در این منطقه نیروهای بعثی را پراکنده میسازد و از تمرکز آنها در جبهه خوزستان و کرمانشا میکاهد. ثانیاً وجود جنبش مقاومت و پیشمرگان انقلابی کردستان ایران، مانع بزرگی است که رژیم بعث بشدت از آن می هراسد و بالاخره وجود پیشمرگان اتحادیه میهنی در عراق نقل و انتقالات ارتش عراق را دچار اشکال میسازد. این موارد در مجموع شرایط مناسبی را برای دخالت عراق در کردستان ایران بوجود نمی آورد. از نظر نظامی آنچه که اهمیت اساسی دارد، در این

## مخالفت با وابستگی...

رابطه با جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای سیاسی آن مشخص  
میگردد .

ماد رشماره گذشته "پیکار کردستان" گوشه های از حرکات  
کتابین سازمان را در ارتباط با جنبش مقاومت خلق کرد نشان  
دادیم . اکنون میکوشیم گوشه دیگری از حرکت آنرا بر مبنای  
محور تبلیغاتی که فعالان سازمان چریکها (اکثریت) درباره  
اوضاع کردستان مبارزات خلق کرد و نیروهای آن در نشریات  
خود پیش میبرند و بطور مشخص راولین شماره "تیشک" به  
روشنی ارائه شده است . مشکافی . باشد تا با زهم بیشتر  
چهره زشت رونیونیسم و روزیونیسم و تحلیلات آنها بمنافع  
خلقها و زحمتکشان ایران بر ملا گردد . زیرا همانگونه که لنین  
میگوید مبارزه با امپریالیسم بدون مبارزه با پورتونیسم حرف  
پرچی بیش نیست

## تخریف واقعیت "تجربه کردستان عراق"

سازمان چریکها (اکثریت) محور تبلیغاتی خود را  
بر این اساس قرار داده است که نیروهای سیاسی موجود در  
کردستان (البته بغیر از خودشان!) اساس نیروهای وابسته  
به بعثیاد و رجال وابستگی به آن هستند و سرنوشت جنبش  
مقاومت خلق کرد نیز همان سرنوشتی خواهد بود که خلق کرد  
عراق در اترخیا نیت دارد . سته ملامصطفی بازرانی به ان دچار  
شد . بنابراین طبق نظر آنها با یستی از مبارزه علیه رژیم  
جمهوری اسلامی دست کشید و با قبول حاکمیت رژیم و استقرار  
"صلح عادلانه" از وابستگی جنبش جلوگیری کرد و وحدت "تئیر  
وهای ضد امپریالیست" (بزم ایشان از جمله هدایت حاکمه و  
وارگانهای سرکوبان مانند پاسداران) در مبارزه با آمریکا را  
تحکم بخشید !؟! بر مبنای این محور سازمان چریکها (اکثریت)  
خود را شدیدا مخالف و وابستگی جنبش و مخالف رژیم بعث  
عراق قلمداد کرده و قیافه با اصطلاح حق بجانب و مسئول بر  
قبال سرنوشت جنبش خلق کرد بخود میگیرد .

اکنون ببینیم واقعیت امر چیست و چگونه فدائیان (اکثریت)  
برای توجیه و لایوشانی تسلیم و سازش خویش و واقعیات را  
تخریف میکند و یک مشت ترها ترویزیونیستی را بعنوان "بسر"

می دانید که چه میخوانیم  
بگویم "فقط اعتماد بکافی است" ، بیائید اعلام کنید  
اگر این جامعه به سمت سرمایه داری نمی رود به سمت  
استبداد نمی رود "پاسخ دادند : "ما متعهد میشویم . . .  
حالت جنگی را از بین ببریم و آتش را برقرار کنیم " ، "آتش  
بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است" ، "حتی هر نیروی خاص  
رجی و هر نیروی که بخواهد مسئله ساز باشد ما متعهد متقا  
بل هم در برابر گروههاییکه مسئولیت کمتری بخواهند احساس  
بکنند بر عهد میگیریم" (از متن مذکور است که بیست و نه  
درآمدنی همه جاناتا کید اتا زماست) .

این بود "تعهدی" که رهبران سازمان چریکها (اکثریت)  
در راستانه چرخش قطعی خویش بسوی سازش با بورژوازی  
حاکم و تسلیم در مقابل آن و خلاصه پشت کردن کامل به انقلاب  
و منافع توده ها به حکومت جمهوری اسلامی سپردند . از  
آن بعد ، این رهبران که به آستانبوسی بورژوازی شتافته اند  
- و با این حرکت خود ماهیت طبقاتی و مضمون مشی خویش را  
روشنتر نمودند - بگیریانه کوشیدند و همچنان میکوشند تو  
صیه بهشتی مینی بر "بوجود آوردن اعتماد" در میان مردم  
کردستان نسبت به هیئت حاکمه راموبه مویا جرابگذارند ،  
"برقراری آتش بسی که حاکمیت جمهوری اسلامی است" (یعنی  
همان وظیفه ای که بعهد ارتش و پاسداران است) را تحقق  
بخشند و "در برابر گروههاییکه مسئولیت کمتری بخواهند  
احساس بکنند" (یعنی با انقلاب توده ها و فاداریا شد) به  
تعهد خود یعنی دشمنی با تشکلات انقلابی عمل کنند .  
شش و تعهد یکه چیزی جز خیانت بمنافع زحمتکشان و خلقها  
ایران و خد متبه بورژوازی نیست و تنها هدف جلب اعتماد  
بورژوازی و گرفتن امتیازاتی چند را برای این نارهربران دنبال  
میکند .

باتوجه با این "تعهد" و درک ماهیت سیاسی - طبقاتی  
آنست که مضمون و ماهیت شعار "استقرار صلح عادلانه در کرد  
دستان" سازمان چریکها (اکثریت) روشن میشود و هدف  
تبلیغات و سیاست رونیونیستی و ضد انقلابی این سازمان بر

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با رونیونیسم نیست

خورد مسئول " بخورد هواداران خود و جنبش‌هید هد و باین ترتیب میکوشد جنبش تود ها را با انحراف و کجراه بکشاند

د مقاله "کردستان بکجا می‌رود؟" مند رچ در "تیشک" شما آمده است: "این روزها در کردستان از مسئله وابستگی زیاد صحبت میشود. این مسئله در گذشته نیز برای مردم مطرح بوده است و اتفاقاً خلق کرد در این رابطه تجربه بسیار با ارزشی دارد. تجربه کردستان عراق را بخاطر بی‌اوریسم، ملامصطفی بازرانی با همه نیروی نظامی و سابقه مبارزاتیش

در جنبش ملی سرانجام وقتی مردم پشت کرد و در آغوش آمریکا ورژم ضد خلقی شاه افتاد جنبش را به شکست کشاند و بزرگترین خیانت عمر خود را مرتکب شد" و چند سطر بعد ادامه میدهد: "اکنون این ماجراها (باتفاوت‌های) و سه طرز فکری انگیزود رعین حال مضحکی در کردستان ایران نیز تکرار میشود" (تاکیدات از ماست).

همچنین سازمان چریک‌ها در "خبر" مه‌یاد شماره ۳۲ به تاریخ ۱۳/۵/۵۹ ویژه نامه "اعترافات حامد بیگ" مینویسد: "هرگاه امروز جلوی فعالیت نیروهای وابسته به بعثت و سایر یاری‌امپریالیسم از جانب نیروهای انقلابی و ترقیخواه گرفته نشود، آنها را سر جنبش خلق کرد در ایران همان‌بلایی را خواهند آورد که ملامصطفی بازرانی در عراق آورد، ملامصطفی نیز از همان آغاز عنصری وابسته و سرسپرد به رژیم شاه و امپریالیسم امریکان بود. او در هراس از دستگیر جنبش ملی در کردستان ایران عراق مبارزه کرده بود و امید آنست که رژیم شاه دشمن سرسخت خلق کرد است و از رو حسن نیت به آنها کمک نمیکند. ولی او فکر میکرد که میتواند از رژیم شاه اسلحه و پول دریافت کند و وابسته نیز نشود ولی دیدیم که محاسبات ملامصطفی درست از آب در نیامد" (تاکیدات از ماست).

با خواندن نقل قولهای فوق هر کس که الفبای مارکسیسم را بداند و حداقل اطلاعی از وضعیت جنبش خلق کرد عراق و ماهیت رهبری آن داشته باشد و معلوم کند هنوز با انقلاب و منافع توده‌ها بیباید بشد، براحتمی متوجه تحریف تاریخی و "فراموشی" کامل مارکسیستی رژیم برخورد طبقاتی به بدیده‌ها و تجزیه و تحلیل د یالکتیکی آنها در این نقل قول نمیکرد. مارکسیسم لنینیسم بامایاموزد به بدیده‌ها بشیوه

د یالکتیکی برخورد کنیم و مسایل موجود در اجتماعات بشری از زمانیکه جامعه طبقاتی بوجود آمد - از اید پدگاه طبقاتی بنگرم و عبارت د یگیر برس هر سخن و حرکتی منافع طبقه مشخص را جستجو کنیم. د یالکتیک مارکسیستی بامایاموزد که بدیده‌ها را بجه بصورت مجرد بلکه بشکلی مشخص و د راز - تباط متقابل با یکدیگر نه در خلا بلکه در زمان و مکان معین مورد بررسی قرار دهیم. این آموزش در تضاد کامل با برخورد بورژوازی و خرد و بورژوازی بامسایل است که به بدیده‌ها برخورد غیر طبقاتی میکند و از این امر که فلان گفته یا بهمان عمل میبیند که ام منافع طبقاتی است طفره می‌رود و متافیزیک یعنی بر - خورد مجرد و در خلا را جان نشین د یالکتیک میسازد.

برخورد سازمان چریکها (اکثریت) به جنبش خلق کرد عراق و مقایسه آن با جنبش مقاومت خلق کرد در ایران نیز چنین است. در این برخورد مشاهده میکنیم که بجای برخورد تاریخی - طبقاتی به مبارزه خلق کرد در عراق و رهبری آن بجای توضیح عوامل و علل موثر در حرکت این جنبش و بخصوص علل و عواملیکه در شکست آن سهم داشتند و مشخص کردن اینکه در این میان کدام نقش اصلی و کدام نقش فرعی داشتند مسئله وابستگی و نالای - خره شکست آن بطور مجرد مطرح میشوند و باینکه مقایسه بهمان اندازه متافیزیکی نتیجه گیری میشود که سر نوشت جنبش مقاومت خلق کرد در ایران نیز همان خواهد بود. این چنین بر خورد دید وون شکباین دلیل نیست که رهبران یا نویسندگان مقالات سازمان چریکها (اکثریت) اصول و موازین مارکسیستی را در کتابها خوانده اند بلکه از آنجانشی میشود که اینان بمصالح انقلاب پشت کرده اند و بجای مارکسیسم، روزیونیسم و بجای منافع طبقه کارگر منافع بورژوازی را هنمای حرکت آنهاست. این امر نه تنها آنچنان برخوردی را ایجاد میکند بلکه حاملین آنرا آگاهانه به تحریف روشنترین واقعیات تاریخی نیز میکشاند. در این میان تنها ساد و لوحی و بیخبران هستند که میتوانند فریب چنین عوامل فریبکارا بخورند.

### واقعبیت جنبش خلق کرد عراق چه بود؟

در اینجا قصد ما توضیح مفصل مسئله فوق و تجزیه و تحلیل عمیق و موثکافانه آن نیست، تنها برای روشن شدن بحثمان مختصراً نگاهی کلی نواقعبیت جنبش خلق کرد در عراق در

## حمایت زحمتکشان میاندواب از خلق کرد

★★★★★★★★★★★★

میاندواب بخوبی از این جنایات آگاه میباشند و در مقابل این اعمال وحشیانه و جنایتکارانه سکوت راجا بزمنیسمارند. آنان در می یابند، رژیمی که هرروز روستاها و آبادیهای کردستان را به آتش کشیده و مردم را قتل عام میکند، نمیتواند ادعای "حمایت از مستضعفین" را بنماید. رژیمی که برای بقای خود دست به هر جنایتی میزند و هر روز حمله ای جدید بسرای منحرف نمودن مبارزات توده ها بکار میبندد، هیچگاه نمیتواند حامی توده ها باشد.

بی شک در سایه آگاهی و همبستگی زحمتکشان همه تشبیهات جنایتکارانه این رژیم ضد خلقی نقش بر آب خواهد شد. خلقهای ایران بارها نشان داده و باز هم نشان خواهند داد که در مقابل دشمن مشترک خود، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، یکپارچه و همبسته به پیش خواهند رفت. همبستگی خلقهای ایران، بویژه همبستگی خلقهای ترک و کرد، امری زودگذر نیست چه اینکه این همبستگی در جریان مبارزات مشترک آنها بر علیه رژیم جنایتکارانه و امپریالیسم هم چون بولاد آبدیده شده است. زحمتکشان آگاه ترک بخوبی میدانند که پیروزی نهایی همه خلقهای ایران وابسته به یکدیگر است و در سایه این اتحاد و همبستگی میباشند که برقراری حکومت زحمتکشان یعنی جمهوری دمکراتیک خلق امکانپذیر میگردد. پیروز باد همبستگی خلقها!

چندی پیش پس از آنکه پاسداران جمهوری اسلامی به همراهی اوباشان ملاحسنی در چند روستای کرد نشین (ایندرقاش، صوفیان و ۰۰۰) دست به قتل عام زحمتکشان زد، روستاها را غارت نمود و بیهوش کشیدند. مردم غیور میاندواب در طی تظاهراتی همبستگی خود را با خلق قهرمان کرد نشان داد. موباعمال جنایتکارانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی اعتراض نمودند. آنان در تجمع خود در مقابل کمیته میاندواب خواهان تعویض رئیس کمیته شدند. زحمتکشان آگاه میاندواب بخوبی میدانند که رژیم با قتل عام روستاها را کردند بین باغارت و آتش زدن این روستاها قصد آن دارند که بین خلق کرد و ترک فاصله و جدایی افکنند و از این طریق از یکسویه سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد بپردازد و از سوی دیگر مبارزات زحمتکشان ترک را از مسیر خود منحرف نماید. زحمتکشان میاندواب با این حرکت خود نشان دادند که از ماهیت این رژیم آگاهند. آنها خود شاهد این هستند که:

روزی نیست که این رژیم دست به جنایتی تازه نزند. هنوز قتل عامهای "قارناوقه" لاتان از یاد نرفته است که زحمتکشان "ایندرقاش، صوفیان" و ۰۰۰ کشته میشوند، هنوز خون آنان خشک نشده است که روستای "سروکانی" قصابی گردیده بمره آتش کشیده میشود. زحمتکشان ترک و بویژه مردم

سالمهای قبل میافکنیم.

شروع حرکتی که در کردستان عراق بصورت جنبش گردیده در اواخر سالهای ۶۰ و اوایل سالهای ۷۰ آمد و تحت رهبری خانواده بازرانی هاد رسال ۷۵ با انعقاد قرارداد میان رژیم شاه و حکومت عراق فروریخت و شکست انجامید. در تابستان ۱۹۶۱ بود که رژیم عبدالکریم قاسم برخلاف وعده و وعیدهای اولیه و حتی قوانینی که با روی کار آمدن خود او در مورد حقوق خلق کرد در عراق به تصویب رسیده بودند، بعد از زمینه چینیهای اولیه، شروع به پایمال نمودن دستاوردهای خلق کرد نمود. در مقابل چنین حرکتی، یکسری تظاهرات و حرکات

وسیع از جانب توده های مردم کرد علیه رژیم عبدالکریم قاسم شکل گرفت. جواب رژیم عبدالکریم قاسم گسیل ارتش سوسی کردستان عراق بود که با مقاومت پراکنده مسلحانه روبرو گردید. پس از چند ماه حزب دمکرات کردستان عراق بر زمینه مو در میان توده ها و آمادگی انقلابی آنها با اعلام تشکیل یک بد زمان دفاع مسلح دست به مقاومت مسلحانه زد و بنا بر ترتیب جنبش مقاومت در کردستان عراق شکل گرفت.

حزب دمکرات کردستان عراق در زمان تشکیل خود در مجموع منافع بورژوازی کرد را نمایندگی میکرد اما از همان ابتدا اعتقاد فئودال و روسای عشایر از جمله ملامصطفی در رهبری آن شریک

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

شیدند و بالاخره بعد از مدتها کشاکش، رسال ۱۹۶۴ رهبری خود را بر سر آن تثبیت نمودند که علت این امر را با یستی اساسا در ضعف اجتماعی ستاریخی بورژوازی کرد جستجو کرد. جنگ عشاری به رهبری ملامصطفی با تثبیت رهبری خود بر حزب و جنبش از همان ابتدا جنبش را بسمت مواضع راستتر از گذشته کشاند و آنرا وارد در مناسبات مشکوک بین المللی ساخت. امریکه ناشی از ماهیت بیگانگرمنافع طبقاتی آن بود. علیرغم دارا بودن چنین رهبری ای، جنبش بدلیل خواست عمیق توده ها به تغییر وضعیت خویش و کسب آنچه با آنها وعده داده شده بود ادامه پیدا نمود و هرچه بیشتر گسترش یافت. به ترتیبی که در اواخر سالهای ۶۰ کنترل بخش اعظم کردستان عراق در دست نیروهای پیشمرگ قرار داشت و در ۱۹۷۰-۱۹۷۴ اعمال انورزان حکومت با رزانی و اطرافیان او بر این منطقه بود. البته لازم به تذکر است که مضمون گسترش جنبش هر چند در جلومیا بیم بسوی گسترش نیروهای نظامی و قدرت آنها، و ایجاد توسط دستگاهاها ی بورکراتیک توسط رهبری آن میل پیدا و از شرکت توده ها در رزندگی و سر نوشت جنبش تهی میگشت. بهورتیکه در دوران ۷۴-۷۰ با رزانی و اطرافیان نشد ستگا ه د ولتی ویژه ای را برای خود در منطقه بوجود آورده بودند تا حدیکه یکسازمان جاسوسی (امنیتی) بنام "پاراستن" ایجاد گردید. این سازمان و تمام دستگا ه د ولتی در واقع چیزی جز وسیله ای برای سرکوب خواستها و حرکات انقلابی توده ها و استعمار آنها توسط فتودالها و روسا عشاری نبودند. سازمان جاسوسی مذکور که با رهبری عشاری جنبش را بطه مستقیم داشت و همچنین با محافل ارتجاعی خارجی ارتباط برقرار نموده بود، نقش مهمی در سرکوب افکار و جریانات مترقی بویژه کمونیستی و مقابله با نفوذ آنها بازی میکرد. بطور کلی میتوان گفت که در این دوران (۷۰-۷۴) پیش از آنکه در کردستان عراق با یک جنبش توده ای مسلح با همد فم شخص برآوردن مطالبات توده ای مواجه باشیم شاهد یک شبکه و دستگا ه بورکراتیک نظامی قدرتمند هستیم که در بخش اعظم کردستان عراق گسترده شده و برای کسب امتیازاتی برای رهبری آن در مقابل رژیم عراق ایستاده بود. در راه این دستگا ه جریان عشیرتی فتودالی ملامصطفی قرار داشت که حاکمیت ملامنا زع خود را بر خلق کرد عراق اعمال

مینمود. حاکمیتیکه هر چند بر دستگا های بورکراتیک نظامی تکیه میکرد، لیکن در حفظ موقعیت خویش شدید از انزواگامی عمیق توده ها بمنافع طبقاتی خود و توهم آنها نسبت به رهبری جنبش، سود میبرد.

جریان حاکم بر جنبش در طول حاکمیت خویش کوچکترین کوششی در جهت اصلاحات اجتماعی از جمله مسئله ارضی که در برنامه اش راورد شده بود ننمود، روابط فتودالی در ده را حفظ کرد و فتودالی وفاداری آن در رینا هشت نتوانستند مواضع خود را که در اثر کودتای ژوئیه ۵۸ تضعیف شده بود مستحکم سازند. حتی اصلاحات ارضی د ولتی نیز در روستاها ی منطقه با جراد رنیامد. در مقابل ویرانی و فلاکتی که در اثر جنگ گریه

بیا نگیر توده ها شده بود، نیروهای پیشمرگ هیچ حرکتی یاری دهند. این نسبت به توده ها از خود نشان ندادند و بصورت نیروی غیرتولیدی باقی ماندند، بهترتیبیکه در اواخر

بعنوان با ریبک و شزحستگشان را مد ده بودند. در مطالبات رهبری جنبش در دوره های مختلف مذاکره با دولت مرکز ی

خط برای تحقق خواسته های زحمتکشان وجود نداشت و این مطالبات فقط به درخواستهای ساده حقوقی محدود شده بود. خلاصه در دوران حاکمیت رهبری فتودالی عشیرتی

بر جنبش، این رهبری ثابت نمود که در ریه خورد به توده ها و منافع آنها با حکومت مرکزی فرقی نداشته و حاکمیتش نتیجه

د یگری جز ادامه استعمار وستم وارد بر توده ها ندارد. حاکمیت یک چنین رهبری در جنبش و آنها هم حاکمیتی بلا

منازع نمیتوانست چشم انداز دیگری جز شکست در مقابل ان ترسیم کند، شکستیکه در هر صورت چه با به سازش رسیدن رهبری با رژیم و چه با غلطیدن کامل ان بدامن امپریالیستها و

رژیمهای ارتجاعی دیگر (یعنی آنچه رخ داد) - اتفاقا میفتاد. بالاخره زمانیکه این رهبری بدلیل ماهیت فوق هر چه بیشتر

به نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی متوسل و بطور طبیعی به تکیه هر چه بیشتر بر آنها کشانده شد، سر نوشت محتوم جنبش یعنی شکست در یک قدمی آن قرار گرفت. سر نوشتی که انعقاد قرار داد ۱۹۷۵ میان ایران و عراق آنرا بشکلی آشکار

بظهور رساند. ملامصطفی و نارود سته عشیرتی فتودالی اش فرار کرد و بزرگترین خیانتتزدگی خود را مرتکب شدند.

## جنبش خلق کرد در عراق و برخورد رویونیستها با آن

در شکست جنبش خلق کرد در عراق همانگونه که در فوق گفتیم، علت اساسی ماهیت طبقاتی رهبری حاکم-م بر آن بود. اما بیان این واقعیت به همین جا خاتمه یابد ناقص و چه بسا گمراه کننده است. مسئله اینست، چه شد که رهبری جنبش و نه تنها رهبری جنبش بلکه رهبری بالاناز ع ان بدست ملامصطفی و درآوردسته او افتاد، به ترتیبی که بعد از شکست نتوانست مدتها سر بلند کند. چه شد که توده های خلق کرد در عراق علیرغم تمام سرکوب و ستمیکه از جانب دارودسته ملامصطفی با آنها وارد میشد و کوچکترین خواستههایشان در درون حاکمیت این دارودسته برآورده نشد، و علیرغم تمام خیانتهای ملامصطفی قبل از خیانت بزرگش، نسبت با او وفادار ماندند و او را رهبر خود و برآورنده خواستههایشان میدانستند.

نگاهی کوتاه به عملکرد رویونیستها در عراق جواب سئوالات فوق را در مقابل ما قرار میدهد. در واقع زمانیکه بعد از منتهی حکومت عبد الکریم قاسم ماهیت طبقاتی خود را نشان داد و ماشین ستم و سرکوبی را که بارش برد و بود علیه توده مردم عراق و از جمله علیه خلق کرد برآورد، انداخت، حزب کمونیست (رویزیونیست) عراق بجای ایستاد و در کنار توده ها و خلق کرد، تحت عنوان جلوگیری از تضعیف رژیم "مترقی" عبد الکریم قاسم از پشتیبانی و شرکت در مبارزات خلق کرد امتناع ورزید. جناح منشعب از "حزب کمونیست عراق" که تحت عنوان "حزب کمونیست عراق - رهبری مرکزی" از آن جدا شد در نوشته "انقلاب کرد، در رسها، نتیجه ها و در نماهای جد" در این مورد اینگونه مینویسد:

"هنگامیکه عبد الکریم قاسم شروع کرد به تسلیم شدن در مقابل فشارهای مخالف و ضد انقلابی و انقلاب ژوئیه رایبه ستان نحراف راند و دستاورد های خلق عراق را بتدریج پای نیال کرد و بعضی از حقوق ملی ساد ه ای را که خلق کرد بعد از ژوئیه بد ستاورد ه بود حتی تحت فشار قرار داد به خط مشی

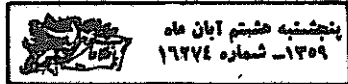
رویزیونیستی در حزب کمونیست رواج داشت، حزب سیاست دنبال روی از قاسم و عقب نشینی مداوم در مقابل نیروهای ضد انقلاب را پیروی میکرد و این روش در تمام خط مشی های حزب و سیاستها یشتا تاثیر گذار است. حزب به همراه توده های کرد برای دفاع از حقوق آنها دست به تسلیح نبرد و شعارها صحیح که قادر باشد جنبشهای توده ای برآورد اختص و هدایت کند طرح نکرد. بلکه با این بهانه که ملیت (بوی-ژروازی کرد توضیح از ما) زمام جنبش را در دست دارد، از این وظایف شانه خالی کرد. حزب آن اهمیتی که مسئله ملی کردی لازم دانستد و مورد ان مبذول نداشت و از اهمیت درخواستههای کرد ها راجع به حقوق ملی، که اندک اندک حزب تکرار کرد ستان آنها را مطرح میکرد، کاست.

وقتی که جنگد فاعی در کردستان آغاز شد، رهبری رویونیست نیست به "بسچ" ملی که در زمان عبد الکریم قاسم مطرح میکرد تمسک جست و تاکید میکرد که تضعیف رژیم کار غلطی است. و وقتی که توده های کرد برای دفاع از خود در مقابل هجوم نظامی دست به تسلیح بردند، رهبری رویونیست بجز شعاعرقیم و فرصت طلبان "صلح در کردستان" انفا کرد که نه مورد قبول خلق کرد بود. و نه از طرف رژیم قاسم که صد هاتن از امضا کنندگان عریضه های اعتراضی و درخواستهای صلح را دستگیر کرده بود مورد قبول قرار گرفت. و در رستد همین زمان حزب یخس بزرگی از با به های توده ای خود را در کردستان و مخصوصا در روستاها به نفع بورژوازی ملی کرد از دست داد و این بورژوازی دانست که چگونه از موضع حزب کمونیست تسود بید و آزا استعداد توده ها بهره برداری کند. این موضع رویونیستی خطرناک ابتدای شکست کمونیسم در کردستان و علت اساسی تسلط بورژوازی و روسای عشا بر رهبری جنبش توده ای بود. (تاکیدات از ماست).

با این ترتیب ملاحظه میکنیم که چگونه رویونیستها با سازش با رژیم و پشت کردن به جنبش توده ها، از همان ابتدا از رهبری را دستاورد ستی در اختیار دارودسته ملامصطفی قرار دادند.

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

۲ کمی زبرد اطلاعات پنجشنبه هشتم  
۶ بان ۵۹ به چاپ رسیده است .



**استخدام سرباز قراردادی**

ستاد مشترک ارتش جمهوری آباد سابق با همراه داشتن اسلامی ایران امروز اعلام شده است که عده ۱۰۰ نفر سربازان را استخدام خواهد کرد. ویت نام کند .  
سربازان برای تکمیل کادر سربازان داوطلبان باید دارای این شرایط باشند: ۱- دارا بودن دارد. کسانی که به استخدام برگ خانواده خدمت. ۲- داشتن قراردادی برای مدت یکساله سلامت جسمی به تائید پزشکی این کشور قابل دارند. ۳- بتوانند ارتش جمهوری اسلامی ایران. هر روزه از ساعت هفتالی ۳- حداکثر سن سربازان هفت چهارده باستانی روزهای سال .  
نظریه مرکز صفر یک کرد ستاد مشترک ارتش جمهوری واقع در خیابان مریوزی - طرح اسلامی ایران .

**رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه سرکوب خلق قهرمان کرد، سربازان حرفه‌ای اجیر میکنند**

نیازی به توضیح اضافی نیست رژیم در کرمان گرم جنگ ارتجاعی و تحمیلی بین ایران و عراق در ادامه سرکوب و وحشیانه خلق کرد و توانی مزدوران سرکوبگرش و نیز خا ضرر نشدن سربازان برای اعزام به کردستان و کشتار خلق کرد مجبور به استخدام سربازان مزدور گذشته است. رژیم‌های ارتجاعی از تجربیات امپریالیست‌ها

برای ادامه حکومت و سرکوب زحمتکشانی بهره‌برده و خواهند بود. رژیم جمهوری - اسلامی از اعزام مزدوران "لژیون خارجی" امپریالیسم فرانسوا به اجزا بیرونی استخدام مزدوران سفید پوست از طرف امپریالیستهای بلژیکی برای کشتار خلق کنگو... بخوبی درس گرفته است و آنرا در مورد خلق قهرمان کرد که از یک طرف مبارزه قهرمانانه اش رژیم را به زانو در آورده و از طرف دیگر حقا نیت مبارزه اش برای سربازان و ارتشیان نام آگاه و نیز روشن میشود بطوریکه بخش بزرگی از آنان دیگر خا ضربه جنگ با خلق کسود نیستند، بلکه رمی گیرند، ولی مزدوران و سربازان حرفه‌ای رژیم نیز در مقابل کوه دلی خلق دلاور کرد نخواهند توانست کاری از پیش ببرند .

**رویزونیست‌ها در ایران و جنبش مقاومت خلق کرد**

این سیاستیست که امروز سازمان چریکیها (اکثریت) بتبع برادران عراقی و آموزگارش حزب توده نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد ایران پیش گرفته است. سیاستی که شباهت‌های "عجیب" آن حتی در جزئیات نمیتواند موجب تمسخر و هم چنین تنفر همه کسانی که به منافع توده ها و افاد ارزند، نگردد. ابتداء بهانه "مترقی" بودن و "ضد امپریالیست" بودن رژیم جمهوری اسلامی شعرا استقرار "صلح عادلانه" و قطع "جنگ برادر رکشی" مطرح میگردد سپس تحت عنوان اینکه رهبری جنبش است حزب کمکرات است و جنبش بشکست میانجامد، خواستار قطع آن شده و از آن کنا رمیکشد و در عین حال به تخطئه این جنبش میپردازد و با لایحه باید منتظر قرار گرفتن مسلحانه آنها در مقابل خلق کرد باشم .  
د رواقع سازمان چریکیها (اکثریت) آگاهانه بر تفاوت ماهیت طبقاتی رهبری جنبش در عراق که جریان عسیرتی - فئودالی بود با ماهیت طبقاتی نیروهای مختلف فعال در جنبش مقاومت خلق کرد در ایران سرپوش گداشته و غمد افراش میکند که این تفاوت معنی وجود دو حرکت متفاوت رهبران را بین دو جنبش میآید . به صرف اینکه جنبش خلق کرد عراق به عنوان یک جنبش ملی در چارنکست گردید نمیتواند ما را با این نتیجه برساند که پس سرنوشت خلق کرد ایران نیز همان خواهد

اما این همه مسئله نبود و خیانت رویزونیست‌ها به جنبش خلق کرد به همینجا خاتمه پیدا نکرد. آنها بیش از پیش در سازش خود با حکومت جهت بردن سهمی از استعمار و غارت زحمتکشان عراق پیش رفتند و هرچه بیشتر در مقابل جنبش توده ها قرار گرفتند، به ترتیبی که در آخرین جنگد رساله‌های ۱۹۷۴ هزاران نفر را بنام کمونیسم مسلح کرده و به جنگ با خلق کرد فرستادند. آنها این سیاست ضد انقلابی خود را حتی بعد از شکست جنبش و شکل گیری یک جنبش مسلحانه نوین در کردستان دنبال کردند و برای تشکیل "لشکر گارد مرزی عراق" مشغول تبلیغ شدند .  
با یک چنین سیاست و عملکرد ضد انقلابی نسبت به خلق کرد عراق، قبضه همه جانبه رهبری جنبش و تسلط بر اماناز عبر آن توسط دارودسته ملامصطفی امری غیرمنتظره نبود. به این ترتیب در مقابل ملامصطفی نه تنها نیروی دیگری بعنوان یک اکثریت توان انقلابی قرار نگرفت بلکه حتی نیروی که بتواند از فروریختن کامل جنبش بعد از خیانت دارودسته ملامصطفی تا حدودی جلوگیری کند و سرعابه سازماندهی و احیاء و باره جنبش برود از آن نیز وجود نداشت. بار این خیانت بیش از همه بر روش رویزونیست‌های عراق سنگینی میکند. کسانی که منافع طبقاتی ضد انقلابی شان و همچنین منافع برادر بزرگشان یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی ایجاب نمینمود، در کنار رژیم‌های مختلف عراق از جمله همین رژیم بعث قرار بگیرند و به خدمت سرکوب توده ها در آیند .



بود. از دیدگاه مارکسیسم لنینیسم قبل از هر چیزی باید این مسئله را روشن کرد که رهبری جنبش در عراق مدافع و نماینده کدام طبقه بود و سیاست کدام طبقه بر آن حکم میراند. و امروزه در ایران این مسأله چگونه است؟ طفره رفتن از این امر و مقایسه ای فارغ از یک بررسی مشخص یا نگر چیزی جز عوام فریبی و فرصت طلبی نیست و در تضاد کامل با مارکسیسم قرار دارد. سازمان چریکها (اکثریت) از آنجائیکه به مارکسیسم پشت کرده و در رویزیونیسم غوطه میخورد، در برخورد با مسئله پدیده ها و در ایجاد برخورد به جنبش خلق کرد در ایران و عراق و مقایسه میان آنها کوچکترین صحبتی از ماهیت طبقاتی نیروهای رهبری کننده در این دو جنبش نمیکند و نیروی نظامی وسیع و سابقه " مبارزاتی " ملامصطفی را به رخ میکشد! سازمان چریکها (اکثریت) علت شکست جنبش خلق کرد عراق را نه ماهیت فتوای عشیرتی رهبری آن بلکه وابستگی آن معرّف میکند. از دیدگاه مارکسیسم مسئله وابستگی چون همه مسائل دیگر یک مقوله طبقاتی است و تا آنجا که وجود نمی آید. گرایش بنوابستگی از سوی طبقاتی بروز میکند که بر توده ها متکی نیستند و نه منافع اکثریت بلکه منافع اقلیتی کوچک را نمایندگی میکنند.

سازمان چریکها (اکثریت) میگوید ملامصطفی بمردم پشت کرد و در آغوش آمریکا ورزم شاه افتاد، ولی نمیکند چرا و به چه علت. سازمان چریکها نمیکند که علت اساسی شکست جنبش ماهیت فتوای عشیرتی رهبری آن (حتی اگر رهبری وابسته نمیشد) بود و همین ماهیت بود که آن را بنوابستگی نیز کشاند.

سازمان چریکها (اکثریت) ابتدا واقعیت جنبش خلق کرد در عراق را تحریف میکنند و از توضیح مشخص راجع به خصوصیات آن طفره میروند سپس آن تصویر تحریف شده را تصویر جنبش مقاومت خلق کرد در ایران قلمداد میکنند و در آخر نتیجه میگیرند که تجربه کردستان عراق در ایران تکرار میشود. در حالیکه از همه تفاهت های بزرگ و کوچک که جنبش خلق کرد ایران و عراق را از هم متمایز میسازد نیز بیگانه است. تنها این واقعیت که امروزه جنبش

مقاومت نیروهای مختلف شرکت دارند، و روند اوضاع عساکری از قدرت گیری بیش از پیش نیروهای جنبش کمونیستی است. نشان میدهد که "استدلالات" سازمان چریکها تنها توجیه سازش آنها با بورژوازی و پشت کردن به منافع زحمتکشان و خلق های ایران است. مسئله اینجاست که مارکسیستها هیچگاه باین عنوان که در فلان جنبش نیروهای سازشکار روحی ضد انقلابی میکوشند برخورد توده ها سوار شوند یا سوار شده اند، از شرکت در آن کناره نمیگیرند، زیرا این سیاست تنها راه را برای تسلط نیروهای ضد و غیر رولتری بر جنبش هموار میسازد. این وظیفه کمونیستهاست که در هر جنبشی در هر سطح که قرار دارد شرکت کنند و با بردن آگاهی طبقاتی میان توده ها آنرا بر محور سیاست و برنامه خود حرکت دهند.

### دم خروس یا قسم حضرت عباس؟! |

امام را اینجا مسئله ای که جالبترین روشن اپورتونیسم سازمان چریکها (اکثریت) است، اینست اینان از یک سو بدلیل اینکه بقول خودشان رهبری جنبش مقاومت خلق کرد در دست حزب دمکرات است یا اینکه حزب نیروی عمد است، سرنوشت جنبش مقاومت را همان سرنوشت جنبش در عراق میدانند و وابستگی و شکست را در زمانی میباشند، و از سوی دیگر خود نزدیکترین روابط را با حزب دمکرات داشته با آن تکیه و پیام مشترک میدهند. باید پرسید بقول معروف دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را!

سازمان چریکها ماهیت طبقاتی حزب دمکرات را بورژوازی تحت ستم کرد میدانند و از روابط بعضی عناصر آن با رژیم بعث عراق نیز مطلع است و علاوه نفوذ آنرا در میان توده ها عمدتاً قلمداد میکند، ولی بجای مبارزه علیه مشی سازشکارانه آن (امری که در ماهیت مشی سازمان چریکها (اکثریت) نیست) علیه نیروهای جنبش کمونیستی چون بیکار، کومه له و ... در مقابل آنها به پشتیبانی و همکاری مشترک با حزب دمکرات دست میزند. حتی اگر بر مبنای نظرات حرافی سازمان چریکها (اکثریت) کومه له یک جریان "خرد و بورژوازی" باشد، از دیدگاه مارکسیسم یک نیروی مارکسیستی و مدافع طبقه کارگر در برابر حزب دمکرات

**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**

و کومه له بایستی جانب کومه له را بگیرد، زیرا "خرد" بورژوازی هقانی "متحد نزد یکدیگر و لیتا ریاست تا" بورژوازی تحت ستم " پس چگونه است که سازمان چریکها (اکثریت) در این بین جانب "بورژوازی" را میگیرد و به "خرد" بورژوازی "میتان" ایاید این بیانگر نزدیکی منافع طبقاتی سازمان مزدور با حزب دمکرات و دلیلی بر بوجی و مغرضانه بودن تبلیغات آن علیه نیروهای چریکها (اکثریت) هر قدر بیشتر مردم آبرویزیونیسیم غوطه میخورند، ضدیت بیشتری با نیروهای کمونیستی و انقلابی پیدا میکند. زیرا رویزیونیسیم یک تفکر بورژوازی و بیانگر منافع بورژوازیست. لجن پراکنیها نیکه در همین شماره "تیشک" علیه نیروهای جنبش کمونیستی چون بیکار، کومه له، ززمندگان... شده است، آنها را "تازاوه چی" و هرج و مرج طلب خواندن و از آنها رد یف "حزب زنجیران" این در آوردسته ارتجاعی یاد کردن و گروه کخطابا. ن کردن، بیانگر چه چیز دیگری جز ورشکستگی سیاسی ساید تولوزیک سازمان چریکها (اکثریت) و سرورش تفکر آنها و مکتب حزب توده خائن بود ریک گلام غلطیدن نهاد مردم آبرویزیونیسیم و روی آوردن به بورژوازی است؟

با این ترتیب مفهوم واقعی شعار "استقرار صلح عادلانه در کردستان" و "صلح طلبی" سازمان چریکها (اکثریت) برایش روشنتر میشود. روشن میشود که چرا سازمان مذکور به تطهیر هیئت حاکمه ضد خلقی میبرد از دبر جنایات آن سرخوش میگذارد و دست خراش توده هانیز میخوهد "بین سیاه - ستمی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و جنایات امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و نوکران آن... خط و مرز مشخص بکشند؟! (یعنی ماهیت کشتار خلق کرد و سایر زحمتکشان و انقلابیون از طرف رژیم جمهوری اسلامی با کشتار یک بدست رژیم شاه مزدور انجام میگرفت فرق دارد و رژیم جمهوری اسلامی از موضع "ضد امپریالیستی" سرکوب و کشتار میکند؟! (۱) روشن میشود که چرا این سازمان با کینه و بغض به ناسزاگویی به نیروهای انقلابی و کمونیست میپردازد و در همان حال حزب خائن توده را "ضد امپریالیست" قلمداد میکند. زیرا رهبران خیانتکار سازمان چریکها (اکثریت) به بهشتی و در واقع به هیئت حاکمه ضد خلق تعهد سپرده اند و خلق کرد و سایر خلقهای ایران را بفریبند و منافع آنها را قربانی

منافع بورژوازی نمایندند. تعهد سپرده اند بزحله هر دم فزونی تر میزانت انقلابی توده هاعلیه رژیم حاکم آب پیا شدند و بکوشد آنها را خاموش کنند و یاب به کجراه بکشند. تعهد سپرده اند در برابر نیروهای انقلابی و کمونیست بایستند و در خرد بورژوازی ضد انقلاب آنها را تخطئه کنند و اگر لازم شد در کنار ارگانهای رژیم در سرکوب آنها شرکت ورزند. زیرا رویزیونیسیم نیست اعمال و مدافع منافع بورژوازی اند و از خود بورژوازی بیشتر به بورژوازی خدمت میکنند. اما توده های خلق کرد نشان میدهند که فریب این دوستان دروغین را نمیخورند. امروز سازمان چریکها (اکثریت) بسز از طرف توده های زحمتکش و روشنفکران انقلابی کرد طرفداری میشود در روستاها زحمتکشان خشمگین از تسلیم طلبی آنها، از دادن نان ایشان خودداری میکنند و در بسیاری موارد آنها را از ده بیرون میکنند و در شهرها بویگان عدیه زیاد از مردم علیه شان دست به تظاهرات میزنند و خواستار رخلع سلاح آنها میشوند. به این ترتیب و با توجه به توضیحات و حقایق فوق باید گفت که خلقها، انقلابیون و کمونیستهای ایران هیچگونه اعتقاد به مخالفت خوانی ها و سازمان چریکها (اکثریت) و معلم آن حزب خائن توده با رژیم بعث عراق نمیتوانند داشته باشند. دشمنان رژیم مرتجع عراق تنها کمونیستها و انقلابیون راستین هستند نه رویزیونیستهای مزدور، به طبق منافع روز خود و نگاه با اصطلاح "ارد و گاه سوسیالیسم" شان به بزرگ کردن و آرایش رژیم های ضد خلقی میپردازند و خاک در چشم توده هانیز میپاشند. کمونیستها هرگز از "اودها" به "افعی" پناه نمیبرند آنها برای مبارزه با امپریالیسم امریکا و رژیم ضد خلقی عراق و در مقابل توطئه های آنها به درگاه رژیم جمهوری اسلامی سجده نمیکنند. آنها تنها بر توده ها و در رجه اول بر طبقه کارگرو سایر زحمتکشان تکیه میکنند و آنها را برای کسب قدرت سیاسی علیه همه امپریالیستها و رجعتین، نگاه بسپح و مسلح میکنند. آنها همچنین برای زد و ننا آگاهی و توهم توده هان نسبت به نیروهای سازشکار روضد انقلابی که میخواهند جنبش توده ها را وجه المصالحه منافع طبقاتی خود قرار دهند، فعلا لانه در مبارزات آنها شرکت کرده و بسا شرکت خود در جهت انفراد نیروهای فوق و کشاندن توده ها بدنبال برنامه و سیاست انقلابی خویش بکوشند و جنبش را بدست نیروهای سازشکار روضد انقلابی نم سپردند. اینست برخورد انقلابی! اینست سیاست کمونیستی!

سرمقاله . . .

به عقب ماندگاری اقتصادی و رکود استان و فقر و فلاکتی که توده ها با آن دستگیر می‌نمایند، بر می‌گردد، از طرف دیگر بعلت کمکاری کمونیست‌ها در ارتقا آگاهی سیاسی توده ها نمود پیدا میکند. کمونیست‌ها می‌بایست به توده ها همه چیز را بگویند. آگاهی طبقاتی را به میان آنها ببرند و مبارزات آنان را بر این اساس سازماندهی کنند. مضمون این آگاهی طبقاتی عبارتست از تبلیغ و ترویج برنامه حداقل طبقه کارگر برای توده ها. این است وظیفه سوم پیکار کردستان.

۴- با اوجگیری جنبش مقاومت خلق کرد و گسترش آن بعد از آن نیروهای سیاسی این جنبش نیز جوهر واقعی خود را نشان داده و خواهرها داد. طوفان مبارزه خس و خاشاک را به کناری زده میدان مبارزه را روشن میکند. این قانون اساسی صحت خود در جنبش مقاومت خلق کرد نیز نشان میدهد. سازمان چریکها (اکثریت) که از ابتدا از موضع متزلزل و تردید آمیز در مقاومت شرکت داشت، اینک به جریانی خائن و مرتد تبدیل شده است که هدفی جز توطئه بر علیه جنبش مقاومت و تبلیغ آشتی طبقاتی ندارد. اگرچه در مقابل با این جریان منحصر بوده و با شور و انرژی فراوانی از جنبش دفاع کرده و آنها را رسوا میکنند، اما اگر نسبت بوجود این جریان و سوسیالیسم که در جنبش می‌راکند، بی توجه باشیم، مورد جهت ارتقا و شناخت سیاسی توده ها را جابجایی جریانی نکوشیم، مرتکب اشتباه بزرگی شده ایم. مبارزه بر علیه این جریان و افشا کامل آن یکی از مهمترین وظایف نیروهای انقلابی و کمونیست است و می‌بایست پیگیرانه دنبال شود.

از سوی دیگر در جریان جنبش مقاومت، عناصر وابسته و دستجات ضد انقلابی (چون سپاه رزگاری، شیخ‌ها و...) که مزدوران رژیم بعث، عوامل ساواکی و سلطنت طلبان بوده و با سواستفاده از ناآگاهی توده های عقب مانده خلق کرد، در مناطقی که نیروهای انقلابی حضور کمتری دارند، دست به فعالیت می‌زنند.

این دستجات ضد انقلاب از هیچ پایگاهی در میان توده های انقلابی و آگاه برخوردار نبودند و صرفاً با وجود آوردن

محیط ارباب و ترس با مزبور گرفتن عناصر ناآگاه و توانسته اند به بقای انگلی و ارتجاعی خود ادامه دهند. این نیروها از بیم افشای و خلع سلاح بوسیله سازمانهای انقلابی قادر به گسترش فعالیت خود در کردستان نمی‌باشند.

سازمان چریکها (اکثریت) از مدتی پیش با اتخاذ سیاست رویزیونیستی و خیانت به جنبش عادلانه خلق کرد، سعی کرده و می‌کند تا خطر این عناصر را بر چهره کرده و عادلانه بودن مبارزه خلق را به زیر سؤال برد، تا به این وسیله دست آویز برای توجیه سازش خیانت تاریخی خود به خلق و خدمت به بورژوازی بیابد. سازمان چریکها (اکثریت) هرگز قدمی عملی در جهت مقابله با این نیروها برنداشت و سعی کرد با برآوردن اختن جنگ تبلیغاتی، آن‌ها را توده ها را به انحراف بکشد.

بی شک مبارزه با این جریانات ارتجاعی، جزئی از مبارزه انقلابی خلق کرد بوده، افشا و خلع سلاح آنها جز وظایف کمونیست‌ها و توده های انقلابی است.

بنابراین افشا نیروهای رویزیونیست بویژه سازمان چریکها (اکثریت) که سعی در تحریف مبارزه عادلانه خلق دارد، و افشاد دستجات ضد انقلاب که سعی در به انحراف کشاندن جنبش مقاومت داشته و با کثرتی انقلابی آنرا خدشه دار می‌سازند، تربیت و پرورش دادن سیاسی توده ها بر علیه این جریانات و وظیفه چهارم پیکار کردستان است.

۵- اما جنبش مقاومت تنها از جانب رویزیونیست‌ها تهدید پیدا نمیشود، خطر انحراف ناسیونالیستی نیز جنبش را تهدید میکند. ناسیونالیسم که جنبه ملی مبارزه را برجسته کرده و جنبه طبقاتی مبارزه را نادیده می‌گیرد، فقط خلق کرد را می‌بیند و به مبارزه سرمایه‌داران توجهی ندارد، گرایش بورژوازی خطرناکیست که اگر با آن مبارزه ای اصولی و پیگیر نگردد، جنبش را در معرض خطرات جدی قرار خواهد داد. مبارزه سیاسی باید تئوریک بر علیه این گرایش و کوشش، در جهت پرورش سیاسی توده ها بر مبنای اشتراک منافع زحمتکشان سرمایه‌داران و وظیفه مهم دیگریست که بعد از نیروهای کمونیست و انقلابی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

فعال در کردستان می‌باشد. و پیشکار کردستان آنرا وظیفه بنجم خود می‌سازد.

رفقا، هواداران!

ما با جنین‌داری از جنبش مقاومت و وظایف سیاسی، در انتشار پیشکار کردستان می‌کوشیم. برای اینکه بتوان از عهد و اجر وظایف سنگین فوق برآمد، می‌بایست ارتباط فعالی میان نشریه و توده‌ها برقرار باشد. این نشریه کمونیستی که سرکار خود وظیفه تبلیغ و ترویج سازماندهی را قائل است نمی‌تواند بدون ارتباط نزدیکی با تنگاتنگ‌ها توده‌ها، کوچکترین کامیابی در جهت آنچه بعهد گرفته است، بردارد. حرکت در جهت توده‌ای کردن نشریه ممکن نیست مگر اینکه کلیه رفقا نشریه را از آن خود بدانند و مضامین آنرا بمیان توده‌ها ببرند. بنابراین مضامین پیشکار کردستان، همچون ارگان مرکزی سازمان می‌بایست در هر "جوله" بوسیله پیشمرگان سازمان در هرگونه تبلیغ و ترویج در شهر و روستا، در هر تظاهرات و اجتماع می‌تواند به‌کار رود. توزیع وسیع و بموقع نشریه و کار آگاه‌گران حول مضامین آن وظیفه بسیار مهم و انقلابی همه رفقا است. در جریان این کار رسیدن آگاهی بمیان توده‌ها - می‌توان نیاز مشخص توده‌ها را در کارکردن و مسایل آنها را تشخیص داد و از نشریه خواست که بآنها پاسخ گوید.

رفقا، برای ما از هر اتفاق و حرکتی که در راه ما افتاد، می‌گذرد، بویژه از روحیه و شرایط زندگی توده‌ها، آگاهی سیاسی از وضعیت نیروهای انقلابی و ضد انقلاب، شیوه‌ها و اشکال مبارزاتی‌شان، از عملکردهای دشمن، مانورها و تاکتیکهایش و... بنویسید. بنظر ما هر فرقی که واقعاً بخواهد، قادر است حداقل هدف و هدفه یکبار برای مانامه بنویسد. نامه‌ها حامل گزارش و خبر مشکلات و مسایل سیاسی اجتماعی توده‌ها و... بجزراست می‌توان گفت که هر "مشغله‌ترین" رفقا نیز قادرند، فرصتی بیابند و برای مانامه بنویسند، به شرط اینکه برای چنین مکاتبه‌ای ارزش قایل شوند. برای نوشتن این نامه‌ها احتمالاً لازم نیست بنویسند، هر فردی که اندک سواد برای خواندن و نوشتن دارد قادر به اینکار می‌باشد. تنها در چنین صورتیست که پیشکار کردستان به یک نشریه توده‌ای وزنده بدل خواهد شد. بقول لنین: "یک نشریه وقتی زنده است که باز اینچ نویسنده اصلی و هدف است که بطور دائم برای نشریه کار می‌کنند، همانند اینچ هزار نفر دیگر هم وجود داشته باشند، که ضمن اینکه در کارهای نشریه نقش دارند، ولی نویسنده نیستند."

در آینده راجع باین موضوع بیشتر صحبت خواهیم کرد.



عطا برآزنده . . . .

بود . . . رفیق بهنگام برداشت محصولات کشا -

ورزی در مورد اد شهر یور سال ۵۸ در منطقه افشار که میا -  
رزات جاری میان توده های فقیر کشاورز و ربابان در آن منطقه

جریان داشت با شرکت فعال خود در این مبارزه و هدایت  
آن توانست بود، هارامتشکل کند . . . رفیق در جریان یور

دوم ارتجاع و جنگستندج در کنار خلق کرد و سازمان ماصیما  
و با انرژی هرچه بیشتر فعالیت برداختا و که خود نمونه

در خستانی از انضباط پذیری در کار تشکیلاتی و سیاسی بود،  
اجازه نداد که منافع فردی وی با دستگی یزندگی عادی

خللی دراراده مصمم و بولادینش وارد آورد .  
رفیق عطا بهنگام اجرا نما موریت در کاتی در جاده سقز

بانه بوسیله مزدوران جنایت پیشه دشمن شناسایی شد و  
مورد حمله قرار گرفت . رفیق عطا همراه رفیق دیگرش لاوران

جنگید و در حالیکه قهرمانانه میزמיד مورد اصابت نارنجک  
دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید و خنجه ای د یکسراز

جوانان انقلابی کردستان به گل نشست . . . .  
گرامی باد یاد رفیق شهید عطا برآزنده !

« بوته تیموری چه سه نیانی

هفتال ته تیمور!  
پولوی نوری خمبانی دورور  
به یادی خوشه ویست ترین هفتاله کان  
با همل برین چریکه ی خه م  
به سرودی " نه ی شه هیدان "  
با بوت بلین گورانیه گهی :  
تو نا مری چاوه کانم

له هر کوی بی . . . له گهل مانی  
پد بیانت بو تازه د مکه یین  
بو توی پیشمهرگه ی رمنجه ران  
تستیره ی گمشی تالای سوور  
هفتال ته تیمور!

په یمان ! په یمان !  
لمسم ده سستی توی قارمان  
له قلمی خویناوی تیوران  
له کورد وستانی شورش وان  
په یمان ! په یمان !  
که وک تاگر به ربینه گیانی دوزمان  
په یمان ! په یمان !  
له بیرنه که بن د مرسمکانی " هه قال لنینین "  
وک بو لوزمو گیزه لووکه  
وک سیلاوو وک بروسکه  
ریشه کیش کین ریشمی گلاوی زورداران  
تا دنیا د مبیته بهمار بو هه زاران

تیمور حسنیانی . . . .

کس کرده بسود خیالی  
زود توانست مسایلی را که رفقاییش در دانشگاه در باره زندگی

پردرد ورنج زحمتکشان و علت فقر و بدبختی آنها مطرح می  
کردند، جذب نماید و به مبارزه روارورد . . . مبارزات توده ها

علیه رژیم شاه خائن هرچه بیشتر اوج میگرفت و پهنه میا -  
رزات دانشجویی دیگر نه در دانشگاه، بلکه تمام سطح

جامعه شده بود . رفیق تیمور نیز همگام با سیل خروشسان  
توده ها و یابیای آنها تا قیام شکو همنند ۲۲ بهمن برای

سرتگونی سلطنت ننگین شاهنشاهی یکدم از پای ننشست .  
بعد از قیام رفیق در تشکیل اتحادیه دهقانی در منطقه

" نه لین " ( اطراف سردشت ) نقش فعال داشت و مردم را  
در جنگ با فئودالها و خلق سلاح کمیته فتو دالی " تبارزه

قلعه " ( بین سردشت و پیرانشهر ) متشکل نمود . . . .  
رفیق تیمور در جریان ضرباتی که پیشمرگان به نیروهای مزدور

رژیم جمهوری اسلامی مستقر در کامیاران، فرودگاه سنندج  
و ستونهای اعزامی از کامیاران به سنندج وارد میکردند فجا -

لانه شرکت نمود و جاسارت توانایی بسیاری از خود نشان داد  
او همچنین در آگاه سازی و تشکل دهی روستائیان منطقه به

خصوص جوانان نقش مهمی بعهده داشت . . . رفیق تیمور  
بعد از پنج ماه مبارزه خستگی ناپذیر در روستاهای اطراف

کامیاران به بوکان بازگشت و با بعهده گرفتن مسئولیت  
دسته ای از پیشمرگان سازمان ( دسته شهید نجم الدین )

بهمراه توده های زحمتکش به ادامه مبارزه بر علیه متجاوزین  
به حقوق زحمتکشان کردستان و سایر خلقهای ایران پرداخت .

رفیق آنی از مبارزه ناپستاد تا بدانجا که خون پاکش  
در راه طبقه کارگرو زحمتکشان سراسر ایران کرد .

گرامی باد یاد شهید تیمور حسنیانی !

به راهبری چینی پیشرو، کریکاران  
هه قال ته تیمور !  
نه ستیره ی سوور !  
پولوی نوری خمبانی دورور  
نه ستیره ی گمشی تالای سوور  
په یمان ! په یمان !  
هه قال ته تیمور " ربیوار " ۵۹ / ۸ / ۲۲

« ضمیر فوق سروده شاعر مبارز رهپوا است که به  
مناسبت شهادت پیشمرگه شهید تیمور حسنیانی سروده

جاودان باد خاطره شهدای بخون خفته خلق کرد

# جاودان باد خاطره پیشمرگان شهید

رفقا



## عطا برازنده ★ تیمور حسینی

رفیق تیمور حسینی در جریان یک نبرد دلاورانه شهادت رسید. رفقای سازمان در یوکان بمناسبت شهادت این رفیق اعلامیه‌ای منتشر نمود تا ندکب خشمگنانی انرا در اینجا میاوریم:

۲۷ مه‌ر شنبی بود که پیشمرگه قهرمان تیمور حسینی در جریان حمله دو دستم‌از پیشمرگان سازمان به مقر سپاه پاسداران و جاشهای ضد خلق در سقز بعد از وارد آوردن ضربه توسط پیشمرگان در حال عقب نشینی مورد اصابت گلوله مرتجعین ضد خلق قرار گرفت و چند لحظه بعد بمشهادت رسید. رفیق تیمور در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده خرد مالک در روستای قازلیان

استوار جوان سنگری کمبریا کرد است می ستیزد و با هر تیر کینه کهن را بر قلب چتر کین دشمنان شلیک میکند او کمونیست است آرمانش رهائی زحمتکشان و سرمایه اش تفنگ آوست مرگش را دشمن هرگز نخواهد دید! زیرا مرگ او به بلندی افتاب بیست که روشنائیش بر پهن دست شهرها بر گشتزارهای رنج و بر کارخانه های مه‌د انقلاب گسترده میشود

پیشمرگه قهرمان ، رفیق عطا برازنده ، طی یک نبرد شجاعانه بانبروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روز ۱۲ / ۷ / ۵۹ به شهادت رسید و خون پاکش نهال آزادی طبقه کارگر را آبیاری نمود. کمیته کردستان سازمان ، بمناسبت شهادت این رفیق اعلامیه‌ای منتشر نمود است که بخشهایی از انرا در اینجا نقل میکنیم: "رفیق عطا برازنده در سال ۱۳۳۵ در روستای علی آباد در یک خانواده زحمتکشان در منطقه افشار تکاب بد نیا آمد. از همان دوران کودکی با فقر و محرومیت توده‌های ستمدیده دهقانی آشنا شد. رفیق در سال ۱۳۵۵ وارد دانشگاه امیروری ایلام شد و بصورت یکی از فعالین

ز روستاهای اطراف یوکان دید مجاهدان گشود. رفیق در دانشگاه مسایل سیاسی آشنا شد و از آنجائی که بطور عینی در جریان زندگی زحمتکشان قرار داشت از فقر و رنج آنها را از نزدیک مشاهده



جنبش دانشجویی درآمد. رفیق در دوران شکوهمند قیام خلقهای ایران فعالانه شرکت داشت و از جان مایه میگذاشت و در همان زمان بخاطر انجام وظایف انقلابی هواداری سازمان پیکار را پذیرفته بقیه در صفحه ۲۱